

پلنوم حزب دمکرات:

ادامه درگیری ها!

اواخر مهر ماه دفتر سیاسی حزب دمکرات طی اعلامیه ای برگزاری پلنوم کمیته مرکزی حزب دمکرات را منتشر ساخت و ضمن آن رئیس سیاست های شخذه در این پلنوم را اعلام نمود.

اعلامیه دفتر سیاسی حزب دمکرات در توضیح موضوع مضمونه در این پلنوم، ضمن تاکید بر این که درگیری های کنونی حزب دمکرات و کومه له "خدمت بزرگی به جمهوری اسلامی" است، باز هم با پافشاری بر پیش شرط اصلی حزب دمکرات برای قطع درگیری ها، عملاً" مهر تاکید بر سیاست ادامه درگیری ها نهاد. در این اعلامیه یکبار دیگر گفته شده است که:

"اگر رهبران کومه له ... بپذیرند که حزب دمکرات یک حزب انقلابی است راه برای آتش بر و مذاکره و حتی برای همکاری هم هموار خواهد شد."

اگر چه پلنوم کمیته مرکزی حزب دمکرات از دو شرط دیگر حزب دمکرات در این زمینه چشم پوشیده است و عملاً" یک گام از مواضع قبلی حزب دمکرات

در صفحات دیگر:



اخبار جنبش توده ای

صفحه ۱۲

اطلاعیه

سازمان جریکهای فدائی خلق ایران

صفحه ۱۹

ضعف و زبونی رژیم در برابر آن!

رژیمنده کرد ایجاد نماید. برعکس مزدوران صرکوبگر رژیم در هر کجای کردستان که پای نهاده اند با روحیه و عزم استوار خلق صمدیده کرد در دفاع از حقوق حقه خود، روبرو شده، از پیشبرد اهداف ارتجاعی خود بازمانده اند، و همیشه و در همه در صفحه ۳

پایگاه در اقصی نقاط کردستان، و اختصاص بیشترین امکانات مالی و تسلیحاتی و انسانی از جهت سرکوب جنبش انقلابی خلق کرد، بعد از شش سال کشتار و جنایت و ویرانی در کردستان، هنوز هم نتوانسته است جای پای برای خود در کردستان بیابد و هیچگونه خللی در عزم و اراده خلق

رژیم جمهوری اسلامی تاکنون با انواع و اقسام وسائل تبلیغاتی خود، تلاش نموده است شکست سیاست های ارتجاعی خود در کردستان را پوشیده داشته، چنین و تصور کند که توانسته است بر اراده خلل ناپذیر خلق کرد مبار بزند. اما برخلاف ادعاهای مسوران رژیم علیرغم استقرار هزاران

درگیری های حزب و کومه له

چنگ ادامه کدام سیاست؟

فرانسر از یک سری عوامل ثابت را ارائه نماید. کومه له در توضیح شرایط و تحولات به تکرانی حزب دمکرات از موقعیت خود در اشرف بسط نفوذ کومه له اشاره کرده است. هر چند کومه له به پیچیده شدن شرایط جنبش خلق کرد هم اشاره می کند، اما در توضیح همین پیچیدگی نیز تنها به ذکر سوخوردگی حزب دمکرات از شورای ملی مقاومت اضافه بر نگرانی او از کاهش نفوذ خود بسنده می کند. و این همه به رغم کومه له درست در شرایطی اتفاق می افتد که در صفحه ۴

ما در بحث قبل پیرامون مواضع پلنوم کمیته مرکزی کومه له گفتیم که کومه له از یک سو اهداف، شعارها و خواسته های مطرح شده از جانب طرفین که بر زمینه شرایط و تحولات سیاسی - اجتماعی معینی مطرح می شوند، به درگیری های کنونی حزب دمکرات و کومه له مکان و معنای سیاسی مضامینی از درگیری های گذشته می دهند، اما از سوی دیگر کومه له نتوانسته است در توضیح این اهداف و شعارها و این شرایط و تحولات چیزی

نگاهی به

مبارزات توده ای در کردستان

(سه ماهه دوم سال ۶۴) صفحه ۸

هه موو میلله تیک مافی دیاری کردنی چاره نویسی خوی هه به

پلنوم حزب دمکرات:

ادامه درگیری ها!

از صفحه ۱

عقب نشینی نموده است، ولی هنوز هم بر اصلی ترین شرط حزب دمکرات پافشاری نموده است که مفهیم آن چیزی جز پس گرفتن تحلیل کومه له از حزب دمکرات و سیاست های آن نیست، امری که از همان نخستین روزهای درگیری پیش شرط اصلی حزب دمکرات برای پایان دادن به درگیریها بود.

در حقیقت حزب دمکرات با پافشاری مجدد بر این شرط خود یک بار دیگر راه را بر هر گونه آتش بس و اعاده وضعیت عادی در ضابطات فیکبین و نیرو صمدود ساخته است و زمینه را برای ادامه درگیری های زیانبار کنونی که ضربات جبران ناپذیری را تا کنون بر جنبش انقلابی خلق کرد وارد آورده، بازگذاشته است. حزب دمکرات با تاکید بر چنین شرطی، حق آزادی بیان عقیده و آراء، حق استقلال فکری و نظری نیروهای سیاسی را جدا از درستی یا نادرستی این یا آن تحلیل، عملاً "مردود" کرده است، بی اعتقادی خود به این اصل دمکراتیک را آشکار ساخته است. از این رو مفهوم چنین شرطی آن است که هر نیروی - و نه تنها کومه له - که در مورد حزب دمکرات و سیاست های آن غیر از آنچه که حزب دمکرات فکر می کند و از خودش تحلیل دارد، فکر کند و تحلیل دهد، حزب دمکرات حق دارد - و این حق را با این شرط برای خودش محفوظ می دارد - که با آن نیرو وارد جنگ بشود. حزب دمکرات با چنین پیش شرطی برای آتش بس به خودش حق می دهد که از این یا آن نیرو بخواهد برای آن که از خصومت و دشمنی حزب دمکرات در امان باشد، تحلیل خودش را از حزب دمکرات پس بگیرد، برای آن که بتواند آزادانه در گردستان فعالیت کند و از تهدیدات حزب دمکرات در امان باشد، باید حزب دمکرات را انقلابی بداند. مسلم است از چنین موضعی هیچگاه نمی توان به درگیری ها پایان داد. هیچگاه نمی توان به یک توافق اصولی بر سر اساسی ترین مسائل مربوط

به این درگیری ها دست یافت. استدلال حزب دمکرات در این زمینه هیچگاه نمی تواند مورد پذیرش هیچ نیروی واقعاً انقلابی و دمکرات قرار گیرد. پذیرش چنین اصلی از سوی هر نیروی سیاسی یعنی پذیرش نهال روی از حزب دمکرات و تسلیم به سیاست های آن در گردستان. حزب دمکرات و یا هر نیروی دیگری در سطح جنبش، انقلابی بودن یا نبودن خود را قبل از آن که به زور اصلاح به این یا آن نیرو دیکته کند، باید در عمل و در صافه رویاری با ضد انقلاب، ثابت کند که تا چه حد انقلابی است و تا چه حد باید و از کدام سیاست مشخص و عملکرد معین آن بعنوان یک اقدام انقلابی دفاع کرد. حزب دمکرات با داعیه انقلابی بودن نمی تواند راه را برای ادامه "بلانقسطاع درگیری" های خونین کنونی باز نماند. درگیری هایی که مهم ترین دستاوردهای جنبش انقلابی خلق کرد را به عین لگدمال می کنند، علاوه بر قربانی کردن تعداد بهشتیاری از فرزندان خلق کرد تاثیرات سوء خود را بر روند رشد جنبش کنونی بر جای می گذارند. درگیری هایی که علیرغم اعتراض بخش وسیعی از توده های زحمتکش خلق کرد و کلیه نیروهای سیاسی همچنان ادامه دارند.

حزب دمکرات در توجیه سیاست خود برای ادامه درگیریها می گوید:

"چون همه مردم گردستان و تمامی سازمانهای ایرانی و کردستانی مدتهاست پذیرفته اند ... که حزب دمکرات یک حزب انقلابی است ... باید کومه له هم بپذیرد که "حزب دمکرات یک حزب انقلابی است".

حزب دمکرات با چنین استدلال بی پایه و اساسی، نه تنها از کومه له بلکه از هر نیروی ثالث دیگری می خواهد که درباره حزب دمکرات همانطور فکر کند که خود این حزب می کند، تا حزب دمکرات به جای جنگ با چنین نیروی با "همکاری" نماید. آیا حزب دمکرات فکر نمی کند که استدلال او در این زمینه چندان فرق اساسی با خواست هیچ نیروی سرکشی ندارد، اگر حزب دمکرات هم فکر می کند که دست شستن از انتقادات، تمکین در مقابل زورگویی و تحمیل جنگ و درگیری و مجیزگویی از این یا آن نیرو و

انتخاب چنین سیاست تسلیم طلبانه ای یک اصل "انقلابی" است و خواست نیروهای همچون خود او در این زمینه یک خواست دمکراتیک است، هیچ نیروی واقعاً انقلابی نمی تواند و حق ندارد بر چنین بی برنامگی گردن بگذارد و چنین شیوه ای را در برخورد های خود با نیروهای سیاسی در پیش گیرد و دست بسته تسلیم تمایلات این یا آن نیرو بشود. مگر رژیم جمهوری اسلامی در طول شش سال گذشته از نیروهای سیاسی و مردم گردستان چیزی بیشتر از این می خواسته و می خواهد. اگر با این تفکر و با این شیوه برخورد حزب دمکرات یک حزب حاکم در گردستان بود با مخالفین خود چه می کرد؟ آیا غیر از این می کرد که امروز می کند، از نیروهای سیاسی نمی خواست که از سیاست های او تبعیت کنند؟ در غیر این صورت به قلع و قمع آنها دست نمی زد؟ اینگونه شرط و شروط قائل شدن برای پایان دادن به درگیری ها، فرق اساسی با "آزادی به شرط عدم توطئه" دارد؟

پلنوم کمیته مرکزی حزب دمکرات، علاوه بر تاکید بر این شرط حزب دمکرات، در حقیقت برای ادامه درگیری ها با کومه له، به سیاست های ضد دمکراتیک این حزب در قبال سایر نیروهای سیاسی در گردستان نیز صحنه گذاشته است و با "درست و صحیح" ارزیابی کردن "موضع دفتر سیاسی در برابر سازمانهای آیزیمین" در واقع ادامه تهدیدات حزب دمکرات علیه نیروهای سیاسی مخالف سیاست های کنونی حزب دمکرات را، تأیید نموده است. یا به زبان خود حزب دمکرات ایجاد هرگونه سد و مانع عملی در مقابل فعالیت سیاسی - نظامی چنین نیروهایی را که "همکار حزب دمکرات محسوب نمی شوند، حاضر نیستند رهبری حزب دمکرات را بپذیرند، حاضر نیستند برای صافه روی با رژیم از حزب دمکرات "اجازه" بگیرند، درست و صحیح" تشخیص داده است. پلنوم کمیته مرکزی حزب دمکرات با تأیید سیاستهای دفتر سیاسی حزب دمکرات در واقع بر این امر صحنه گذاشته است که حزب دمکرات به خودش حق می دهد که طبق گفتار صریح رادیوئی خود، با نیروهای سیاسی مخالف و یا غیر "همکار" خود، در صفحه ۲

و شد اعتراضات توده‌ای در

از صفحه ۱

حال آماج گلوله‌های فرزند ان قهرمان خلق کرد بوده‌اند. از این روست که هر پایگاه رژیم در کردستان که استقرار آن تنها با هلاکت ده‌ها و صدها مزدور امکان‌پذیر گشته است، به زندانی برای سرکشیگران خلق کرد تبدیل شده است. زندانی که ساکنان وحشت‌زده آن تنها در پناه سیم‌های خاردار و میدان‌های صییم مین در اطراف آن، قادر به ادامه حضور نکبت‌بار خود در کردستان هستند.

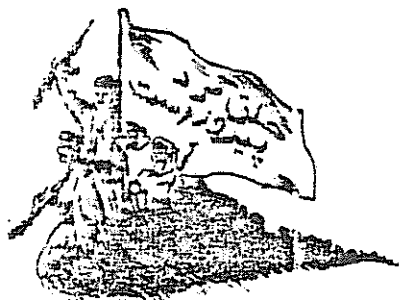
رژیم جمهوری اسلامی در چند سال اخیر، علاوه بر تمامی سیاست‌های سرکشیگرانه خود در کردستان، و تپ و خم‌های باران و یورش‌های بی‌دریغ به مناطق مختلف، سیاست‌های ارتجاعی متعددی را نیز در مواجهه با روحیات انقلابی توده‌ها و برای به زانو در آوردن آنها در پیش گرفته است که اهم آنها را تسلیح اجباری اهالی زحمتکش روستاهای مناطق مختلف کردستان و سرانگیری اجباری جهت اعزام به جبهه‌های جنگ ارتجاعی تشکیل می‌دهد. این سیاست‌های ارتجاعی رژیم نیز تاکنون علیرغم تلاش بیش از حد رژیم و ادیت و آزار همه جانبه اهالی زحمتکشان روستاهای کردستان، در عمل با شکست مواجه شده و اعتراضات وسیع توده‌ای را علیه رژیم برانگیخته‌اند. اعتراضاتی که در بسیاری موارد خشم فروخورده زحمتکشان روستاها را شعله‌ور ساخته، مزدوران رژیم را وادار به تسلیم در برابر روحیه تفری آنان نموده است. یکی از نمونه‌های برجسته این قهرمانی توده‌ها در ماه‌های گذشته حمله شجاعانه اهالی زحمتکش روستای گل‌تپه در منطقه دیواندره به پایگاه مزدوران رژیم و اقدام به خلع سلاح آنان بود. این حرکت اعتراضی بدنیال دستگیری تعدادی از اهالی روستای گل‌تپه جهت اعزام به جبهه‌های جنگ در روز ۱۱ شهریور ماه صورت گرفت.

که بدنیال این دستگیری مزدوران فردای آن روز نیز یعنی در روز ۱۲ شهریور ماه با محاصره روستا و تیراندازی به سوی آنها تلاش می‌کنند روحیه اعتراضی توده‌ها را منکوب نمایند، ولی اهالی زحمتکش روستا دست از اعتراض برنداشته جلگی اعم از زن و مرد و پسر و جوان در اطراف پایگاه جمع شده، خواستار آزادی دستگیرشدگان می‌شوند. مزدوران مستقر در پایگاه با مشاهده انحصار و یکپارچگی اهالی، برای درهم شکستن روحیه اعتراضی آنان دست به تیراندازی می‌زنند که ضمن آن یکی از اهالی زخمی می‌شود. این امر خشم اهالی را برمی‌انگیزد و آنها با خشم و کینه عمیق خود نسبت به مزدوران رژیم دست به تعرض زده و شروع به دادن شعار علیه آنها می‌کنند. زنان دلاور روستا در پیشاپیش اهالی با خشم و غضب انقلابی‌شان به طرف پایگاه حمله‌ور می‌شوند و با گذشتن از سیم‌های خاردار، علیرغم تیراندازی شدید مزدوران وحشت‌زده مستقر در پایگاه، به خلع سلاح آنان می‌پردازند. بخشی از اهالی نیز به دنبال این اقدام شجاعانه به آزاد ساختن دستگیرشدگان اقدام نموده، عملاً پایگاه را تحت کنترل خود در می‌آورند. در پی این اقدام شجاعانه مزدوران رژیم مجبور می‌شوند برای برگشتن سلاح‌هایی که به دست اهالی افتاده بود، عقب‌نشینی نموده، اقرار به شکست خود کنند و از اهالی بخواهند که سلاح‌های آنها را پس بدهند. در مقابل آنها هم دیگر کسی را به سریازی نمی‌برند.

این حرکت شجاعانه یک نمونه برجسته از موارد متعدد تعرض قهرمانانه مردم زحمتکش کردستان علیه اقدامات ارتجاعی و صیعمانه مزدوران رژیم در کردستان است که هر روز در این یا آن گوشه این خطه خونین در جریان است و گوشه‌ای از آن روحیه رزنده‌ای است که بعد از بیش از شش سال مبارزه بی‌آمان هر روز بیشتر از روز پیش بر تحقق اهداف خود پای می‌فشارد. سرتاسر کردستان امروز عرصه نبرد حماسی است که رژیم جمهوری اسلامی را با تمامی تجهیزات

ویرانگر و سرکشیگرانه آن و با تمامی جنایات بی‌حد و حصرش، به شکست مضطربانه‌ای در لشکر گشی خود، به کردستان کشانده است. نبردی که در تمامی ابعاد خود، کل یکپارچه‌ای را می‌سازد، اراده خلق را به نمایش گذارد، که نه کشت و کشتار و نه آذیت و آزار و نه تهدید و ارباب و نه هیچ چیز دیگری قادر به مهار آن نیست و رشد روزافزون اعتراضات توده‌ای در سراسر کردستان و گسترش ابعاد آن، نشانه بارز این مبارزه و بیانگر قدرت و توان رزمی پایداری آن است.

جنبش انقلابی خلق کرد نه تنها در طول بیش از شش سال گذشته، بلکه در آینده نیز و در تمامی عرصه‌های نبرد گیتی، بر زمینه چنین قدرت‌پایداری، هم‌چنان استوار و آهنین ایستادگی نموده و خواهد نمود. ستون اصلی مبارزه کنونی را همین روحیه قدرتمند تعرضی توده‌ها، همین اراده خلل‌ناپذیر آنها تشکیل می‌دهد. اراده‌ای که تاکنون در برابر گلوله با خون سرخ خود، ارمان خود را بر صدر صفحه تاریخ مبارزات خلقهای ایران ثبت نموده است و با طنین برخورد رگبار مسلسلای فرزندان پاک‌باخته خود این ارمان را بر سینه ده‌ها هزار مزدور رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی حاکم نموده است. اراده‌ای که هر لحظه حیات شش سال گذشته خلق کرد را با حماسه‌ای که نه، بلکه ده‌ها حماسه پشت سر گذاشته است و افق‌های روشن فردا را با سیر پیونده و خونین نبردهای سلحشورانه امروز خود بازنشوده است.



رهبری طبقه کارگر ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی دموکراتیک خلقهای ایران است

درگیری‌های حزب و کومه له جنگ اداس کدام سیاست؟

از صفحه ۱

حزب دمکرات به زعم کومه له محتاج آن است که برای "نزدیکی به این یا آن جناح بورژوازی و یا کشودن پای سازش با رژیم خود را" قدرت فائقه در کردستان نشان دهد.

تمام مجموعه استدلال کومه له پیاپی آن است که در شرایط پیچیده مورد نظر کومه له: آن سرخوردگی و این گترانی به نحوی مساله اثبات فعال مارشال بودن را در دستور حزب دمکرات گذاشته است و در عین حال کومه له را نیز که رهبری و هدایت جنبش انقلابی خلق کرد را وظیفه خطیر خود می داند، در تداوم نقش بازدارندگی در مقابل با سیاستهای حزب دمکرات وادار کرده است که تقابل نظامی با حزب دمکرات را بعنوان تنها راه انقلابی در دستور بگذارد.

ولی بر خلاف تفکر ساده اندیشانه کومه له، در مورد انگیزه ها و اهداف حزب دمکرات و دلایل خود برای در دستور قرار دادن تقابل نظامی با حزب دمکرات، ریشه این درگیریها و رمز تداوم آنها و همچنین تمایز موجود درگیریهای کنونی با درگیریهای گذشته را نمی توان با مقولات مورد اعتماد کومه له توضیح داد. به همین دلیل نیز کومه له نتوانسته است در صوبات پلنوم خود به ریشه یابی این درگیریها پرداخته، بر علل و عوامل تداوم این درگیریها و در نتیجه وجد تمایز اساسی آنها با درگیریهای گذشته انگشت بگذارد و درست به همین جهت نسبت به تنش بین بدن قید و شرط مورد نظر خود را نه از ضروریات عینی جنبش و الزامات آن، بلکه از انطباق کامل سیاستهای خود با مصالح جنبش و اقتدار تام خود به این انطباق نتیجه گرفته است. همانطور که در ارائه راه حل نیز چندین گام به عقب گذاشته، طرح پیشنهادی سابق خود را تبدیل به شرط و شروطی کرده است که حزب دمکرات

در قبال آنها "متعهد" شود.

اگر مساله گشایش باب سازش یا رژیم علت وجودی درگیریهای کنونی است، چنین امری بر حیات سیاسی حزب دمکرات نمی تواند تا زکی داشته باشد و ندارد. حزب دمکرات چنین بایستی را به لحاظ برنامه ای همیشه باز گذاشته است و مذاکره و مصالحه با رژیم را حزب دمکرات قبل از همه از محتوای برنامه خود نتیجه می گیرد. حزب دمکرات همیشه و در همه حال یک چیز را دنبال کرده است و می کند و آن رسیدن به خودمختاری مورد نظر خود با حداقل امتیازات ممکن در کردستان یعنی تحقق مساله استفاده از زبان ملی و برخی اصلاحات در مناسبات با دولت مرکزی بوده است. مضمون چنین برخوردی به اهداف جنبش خلق کرد آن خط سیری را تشکیل می دهد که از همان طرح شش ماده ای حزب دمکرات تا طرح شورای ملی مقاومت برای خودمختاری کردستان را در بر می گیرد. حزب دمکرات در هر گونه مذاکره ای با رژیم نمی تواند ملما اهدافی بیش از مضمون طرح شورای ملی مقاومت را دنبال کند. مساله طرح مذاکره با رژیم و سیاست حزب دمکرات در این زمینه، در مضمون چندان فرق اساسی با سیاست دیروز او و اهداف و امالی که پیشروی خود قرار داده بود نمی تواند داشته باشد. مساله اساسی در این زمینه آن است که حزب دمکرات با طرح مساله مذاکره با رژیم، عملا در شرایط کنونی که جنبش انقلابی در سراسر ایران سرنگونی رژیم را در دستور خود دارد، یعنی در شرایطی که مشخصه اصلی آن را بحران انقلابی حاکم بر جامعه ایران تشکیل می دهد، توان سیاسی موجود را به نفع رژیم در هم می ریزد. اگر مساله بر سر عدم درک این تراز از سوی حزب دمکرات باشد، و تاکید کومه له بر شرایط

پیچیده جنبش خلق کرد، معطوف به این مساله باشد، که ملما نیست، خود کومه له در این زمینه، هیچگاه به چنین توازنی اساسا اعتقاد نداشته است. و اگر حزب دمکرات حد اقل در مقطع معینی و با هر هدف و برنامه ای به آن توجه نموده، پیروزی را تنها در گرو سرنگونی رژیم میسر دانسته است. کومه له هیچگاه از چنین واقعیتی در شرایط کنونی سخن نگفته است. کومه له که هدف برنامه ای خود را کسب خودمختاری از هر دولت بورژوازی حاکم قرار داده است، با طرح استراتژی خاص و شعار پیروزی راندن نیروهای اشغالگر، اصولا به چنین توازنی اعتقاد ندارد. استراتژی خاص کومه له بیتر آنکه تابع توازن عمومی جنبش انقلابی در ایران باشد که آنجا که تاشیکهای معین را در هر مقطع مشخص ضروری می سازد، صرفا نیروی محرکه خود جنبش انقلابی خلق کرد را مد نظر دارد، بدون آن که رابطه ارگانیک بین این نیروی محرکه و مبارزه همه جانبه علیه دستگاه بوروکراتیک - نظامی حاکم را بعنوان یک واقعیت در نظر گیرد، که بدون درک آن اتخاذ این یا آن تاکتیک در جنبش انقلابی خلق کرد عملا، با در هوا و بدون هرگونه چشم انداز روشن خواهد بود.

نگاهی به "اسلامیه حقوق پایه ای مردم زحمتکش در کردستان" که در پائیز سال گذشته از سوی کومه له در سطح جنبش انتشار یافته است آشکار می سازد که کومه له در زمینه درک از وضعیت کنونی و اهداف جنبش و چشم اندازهای آن چه درکی دارد و در زمینه "گشایش باب سازش با رژیم عملا" تا چه حد خود را در این زمینه پیش رفته است. امری که در شرایط کنونی هیچ مضمونی جز تعدیل خواست های انقلابی جنبش در حد شعارها و اهداف رفرمیستی ندارد. "اسلامیه حقوق پایه ای" کومه له که آئینه تمام نمای "استراتژی خاص" کومه له است، عملا مطالبات انقلابی خلق کرد را تا حد یک سری مطالبات حقوقی پائین آورده، چارچوب قانونی را جایگزین مبارزه همه جانبه در جهت ایجاد یک تحول انقلابی نموده است. این اسلامیه به جای آن که نفی موجودیت رژیم جمهوری اسلامی را مد نظر داشته باشد، از موضوعیت همزاد

درگیریهای حزب و ...

دلخواه کومه له برسند که "تصور عسوی" این محافل "از تعادل و توان قوا در کردستان غلط بود" است (همانجا) و این بار آنها باید روی کومه له "حساب باز کنند" که در این جنگ تبدیل شدن به "قدرت فائقه" در کردستان، خود را فائق درگیری ها احساس می کند. فارغ از آن که این درگیری ها چرا بوجود آمده اند و چه تأثیرات مبینی را در جنبش انقلابی خلق کرد بر جای گذاشته اند و چه آینده ای را بر آن تدارک می بینند.

و اگر جدا از این تحلیل کومه له از وضعیت حزب دمکرات در "شرایط پیچیده" مورد نظر خود، موضوع اصلی درگیری های کسوف، این است که:

و نه می تواند با اتکا به نیروی کارگران و زحمتکشان راه پیروزی جنبش انقلابی خلق گردد را دنبال کند.

اما "از طرف دیگر نفوذ فزاینده سیاست ها و شعارهای کومه له راه پیروزی های صف مستقل کارگران و زحمتکشان را می کشاید" (چند سند صفحه ۵)

این امر قبل از همه باید خود را در واقعیت های جنبش کنونی نشان دهد. در کارنامه واقعی و نه ادعایی نیروها، خود را آشکار سازد. کومه له با کدام سیاست و شعار نه، بلکه عملکرد مشخص در جنبش انقلابی خلق کرده راه این پیشری را بازگشوده است. آیا صرف ادعاهای دور و دراز و تکرار شعارهای پرطعراق عاری از مفهوم طبقاتی می تواند بخودی خود راهگشای صف مستقل کارگران و زحمتکشان باشد. کومه له در اعلامیه حقوق پایه ای خود که به ادعای کومه له "رئوس اصلی حقوق مسلم و انکارناپذیر کارگران و زحمتکشان کردستان را به صراحت اعلام می نماید"

(پیشرو ۳ تاکید از صا) و کومه له در زیر پرچم ایمن اعلامیه "مردم محروم و زحمتکش کردستان را به برافراشتن پرچم این اهداف انقلابی در برابر جمهوری اسلامی و هر نیروی مدافع استثمار و استبداد وستماری ملی فرا می خواند" (همانجا)

مساله مناسبات حزب دمکرات با احزاب سوسیال دمکرات اروپائی، امر پوشیده ای نیست. حزب دمکرات در این عرصه نیز سیاست روشنی داشته است. طرح پر سر و صدای سوسیالیسم دمکراتیک از سوی رهبری حزب دمکرات، يك گام عقلی نه تنها در زمینه تصریح برنامه خود، بلکه اعلام همبستگی با حامیان بین المللی خود نیز بود. حزب دمکرات در این عرصه تلاش نمود که هرگونه شبهه مربوط به ایمن عدم تصریح را یکی بچوناید. تا قبل از همه گرایش ناسیونالیستی بورژوازی خود را هر چه بیشتر چهره مشخص بخشیده، در عین حال به احزاب و محافل حامی خود نیز اطمینان خاطر بدهد که سوسیالیسم مندرج در برنامه حزب دمکرات حتی در حرف هم ضد سوسیالیسم علمی مارکس و هیچگونه تجانی، با عنوان مورد نظر ندارد.

در این وجه از "شرایط پیچیده" نیز همچون مورد "کشودن باب سازش" در مورد حزب دمکرات سیاست خود کومه له چندان تمایزی را آشکار نمی سازد. اتفاقاً در این زمینه خود کومه له با توجه به تداوم درگیری های کنونی با شور و شغف زاید الوصفی، از اشغال جایگاه رهبران حزب دمکرات در تلویزیون های اروپا توسط رهبران خود سخن گفته است. و "ظهور قدرت فائقه" جدید را در سایه فتوحات در درگیری های کردستان بشارت داده است که "محافل سیاسی خارج" ناگزیر از به رسمیت شناختن این قدرت تازه شناخته شده و "پاز کردن حساب جدیدی برای آن" هستند (کمونیست ۱۸) مسلماً این محافل خارج اگر قرار است "تجدید نظر" نمایند، محافلی جز همان "این یا آن جناح بورژوازی جهانی" مورد نظر کومه له نیستند که باید این بار متحد مطمئن تر و نوظهور خود را در کردستان در وجود کومه له و شعار "نه شرقی، نه غربی" آن جستجو نمایند و به این نتیجه

اجباری افراد به جبهه های جنگ و هرگونه سربازگیری جمهوری اسلامی در کردستان سخن می گوید (ماده ۱۲) و خواستار آن است که "قوانین مذهبی و ارتجاعی جمهوری اسلامی در کردستان به اجرا در نیاید هرگونه بازداشت افراد توسط جمهوری اسلامی ممنوع گردد" (ماده ۱۳)

در این اعلامیه، کومه له اساساً تاکید بر منوعیت قوانین و سیاست های رژیم جمهوری اسلامی نموده است، بجای آن که موجودیت آنرا زیر سوال برده و سرنگونی کلیت آنرا تنها راه تحقق خواست های دمکراتیک توده های زحمتکش خلق کرد در شرایط کنونی محسوب دارد، بلکه بر عکس کومه له در این اعلامیه به حضور و موجودیت جمهوری اسلامی رسمیت نیز بخشیده است و توده های خلق کرد را عملاً به تمکین به آن فرا خوانده است.

بسی مساله اگر بر سر مذاکره یا رژیم یا بقول کومه له سازش با آن باشد، آنها بعنوان یک سیاست مشخص در مرحله مبینی از جنبش، مسلماً کومه له در زمینه گشایش چنین بابی، استعداد کثری از حزب دمکرات ندارد. و چنین تفسیری در سیاست حزب دمکرات بیانگر هیچ گونه "پیچیدگی" خاص مورد نظر کومه له نمی تواند باشد.

اگر موضوع این پیچیدگی در شرایط کنونی جنبش انقلابی خلق کرد، موضوع مورد استناد دیگر کومه له در ارزیابی خود از این شرایط پیچیده باشد یعنی "نزدیکی حزب دمکرات به این یا آن جناح بورژوازی جهانی" خود همین موضوع هم به لحاظی مساله چندان جدیدی نیست. مگر حزب دمکرات گرایش طبقاتی خود را در آستانه و یکا حتی ماهها قبل از درگیری با کومه له روشن ساخته است؟ حزب در گزینش متحدین جهانی خود همیشه تابع منافع طبقاتی مبین خود بوده و هست که در مفهوم برنامه حزب دمکرات "اسلام" مشخص و بیان است. حزب دمکرات در این زمینه اساساً دیگر هیچ گونه شک و شبهه ای را برای سی بر جای نگذاشته است

هرچه گسترده تر باد اتحاد عمل نیروهای مترقی و انقلابی

درگیریهای حزب و ...

انتهای ترین حقوق کارگران و دهقانان را در این اعلامیه از قلم انداخته است، حتی ۴۰ ساعت کار در هفته را به فراموشی سپرده است. مساله ارضی را به طاق نسبان سپرده است. عین همان کاری که در طول شش سال گذشته انجام داده است و به لحاظ طبقاتی جز این هم نمی توانست بکند. کومه له آیا از خودش سوال کرده است کدام اقدامات دموکراتیک واقعی و کدام سازماندهی برای چنین اقداماتی را در کردستان سازمان داده است که امروز مدعی گشایش راه پیشروی کارگران و زحمتکشان است. واقعیت این است که کومه له در برخورد به مسائل جنبش انقلابی در کردستان اگر چه در حرف و ادعا ید طولانی دارد، نتوانسته است به اقدامات جدی دست بزند. هر چند این نیرو در آغاز فعالیت خود دست به برخی اقدامات در مبارزه علیه فئودالهای شور و زان هم نه فئودالیسم می زد، ولی در واقع سیاست غلطی کومه له با حزب دمکرات چندان فاصله ای نداشته است. و در بهترین حالت به برخی اقدامات پرکننده در این یا آن منطقه محدود بوده است و در کل کومه له تحول خاصی را در کردستان هیچگاه نتوانسته است، نمایندگی کند.

بنا بر این اگر حزب دمکرات بنا به ماهیت طبقاتی خود نمایندگی عنصر پیشتاز این جنبش را نداشته و ندارد و عملاً نه تنها عامل تحولی در وضعیت نبوده، و در بسیاری مقاطع حتی در مقابل هرگونه تحولی در وضعیت نیز ایستادگی کرده است، کومه له نیز به همان دلیل ماهیت طبقاتی خود، از هرگونه پیگیری و عملکرد ادامه دار جدی و معینی در این زمینه، بگریزیده است. این وجه از استدلال کومه له هم بیش از آن که در خدمت تحلیل غلط اساسی درگیریهای کنونی و یا توضیح وجه تعایز آنها باشد، در خدمت همان اثبات جنگ بر سر تبدیل شدن به قدرت فائده یا غیر فائده در کردستان

است.

پس کدام تغییر اساسی در وضعیت کنونی تعایز این درگیریهای گذشته را روشن می سازد، اصولاً خود این درگیریهای محمول کدام سیاست و یا سیاست هائمی هستند؟

درگیریهایی میان حزب دمکرات و کومه له، در طول چند سال گذشته امر اتفاقی نبوده و نیست و درگیری ادامه دار امروز نیز در میان این درگیریهایی است. نمی تواند باشد. این درگیریهایی اگر چه هر کدام در مقاطع معینی و تحت عناوین معینی آغاز گشته اند و هر کدام از مشخصه های خاص خود برخوردار بوده اند، ولی در کل همه آنها سلسله معینی از برخوردهای بین دو نیرو را تشکیل می دهند و از همین واحدی در کل برخوردارند. برخوردهای مسلحانه بین دو نیرو در کردستان قبل از آن که محمول رشد عمومی جنبش و تقابل عمیق طبقاتی بین دو نیروی اجتماعی باشد، امری که کومه له اصرار بر اعلام آن دارد، قبل از همه محمول محدودیت دید هر دو نیرو در زمینه اهداف و آمال جنبش کنونی در کردستان و نتیجه بن بست دیدگاههای کیوتنه نظرانگانه، ناسیونالیستی آنهاست. عدم وجود دید روشن از اهداف مرحله ای جنبش و حرکت کورو بی برنامه در عرصه برخورد به مسائل اساسی جنبش کنونی، عدم هرگونه توجهی به سازماندهی درونی و پایه ای جنبش کنونی، جایگزین هرگونه برنامه روشن برای هدایت جنبش کنونی گشته، و در فقدان برخورد دموکراتیک و اصولی به حل اختلافات فیما بین، عملاً زمینه ساز درگیریهایی کنونی شده است. هر دو جریان با گرایشات و دیدگاههای عمیقاً ناسیونالیستی خود، قبل از آن که اختلافات خود را بر بستر مبارزه مشترک و بر اساس اصول معین سیاسی حل و فصل نمایند و رهبری ادعائی خود بر جنبش را قبل از آن که محمول شایستگی در هدایت مبارزه کنونی بدانند، به لحاظ ماهیت طبقاتی خود قادر به درک آن نیز نیستند - بلکه تناسب توازن نیروها را محمول تقابل با جریان دیگر و به اصطلاح بر سر جای خود نشانیدن دیگری می دانند. طبیعی است زمانی

که جای هرگونه ضابطات معین و روشن سیاسی و عطفی، را در تمامی زمینه ها، ضابطات کور و خود بخودی فیما بین نیروها گرفته باشد، این تقابل در برهه های بحرانی خود و نه الزاماً در نهایت و در مرحله خاصی از مبارزه که بفرض اختلافات اساسی اجتناب ناپذیر است، به درگیری نظامی نیز خواهد کشید. زمانی که هیچ راه حلی برای مبارزات و توافق بر سر اصول حاکم بر پیشبرد این اختلافات وجود نداشته باشد، بر عکس به آنکه گوناگون از رسیدن به چنین راه حل هایی - که مسلمانه ضممونی جدا از اهداف دموکراتیک جنبش کنونی نمی تواند داشته باشد - شانه خالی شود و اصولاً به چنین ضرورتی اهمیت داده نشود، طبیعی است که اختلافات خود بخود راه حل خود را به هر شیوه ای بساز خواهند نمود.

اما علاوه بر ضابطات دو نیرو، این درگیریهایی ادامه آنها، حاکی از واقعیت دیگری نیز هست که انهم اعلام آشکار بی تقابلی کامل سیاستهای موجود، در رهبری و هدایت پیروزمند جنبش کنونی و تهدید جدی حیات آن است. نه حزب دمکرات و نه کومه له، بنا به ماهیت طبقاتی خود از انجنان ظرفیت و توانائی برخوردار نیستند که بتوانند بر ضروریات جنبش کنونی عمل نموده، نقش و جایگاه جنبش انقلابی خلق کرد در مبارزه کنونی علیه رژیم جمهوری اسلامی و چشم اندازهای مشخص آنرا بدرستی درک نموده، یا را از محدوده اهداف محدود خود فراتر نهاده، به سازماندهی درونی این جنبش با توجه به توان و ظرفیت بالقوه آن حتی بیاندیشند. آنها بر زمینه اختلافات موجود خود، و هر کدام بنوعی قبل از همه متغول سازماندهی قدرت فائده خود بر دیگری هستند. نتیجه این سیاستها امروز این است که هیچکدام از دو نیرو نتوانسته اند در طول بیش از شش سال گذشته، پاسخ روشنی به مسائلی سازماندهی تداوم قدرت نمایند جنبش کنونی بدهند. آنها قبل از همه تلاش نموده اند، قدرت جنبش را در اراده بالفعل خود خلاصه نموده و به تقسیم خونین آن

درگیریهای حزب و...

نتیجه راه حل خود را به صورت شرط و شروط جدید مطرح نمی ساخت. ولی کومه له فاقد چنین صفت دیدی و در نتیجه توان برخوردی به مسائل مهم کنونی است. و این امر تنها ککلی به قطع درگیریهای کنونی نخواهد کرد، بلکه بر وسعت و تداوم آن نیز خواهد افزود و حقانیت این یا آن شعار درست و اصولی را نیز در پرتو این یا آن تحلیل غیر واقعی و برخوردهای غیر اصولی از میان خواهد برد و در عمل حاصلی جز اداامه و وضعت موجود را بدنبال نخواهد داشت.



پلنوم حزب و مکررات...

از صفحه ۲

مثل جاش و پاسدار" برخورد نمایند. به مسئولین خود در مناطق حق می دهد که به بهانه های مختلف در هر شرایطی و هر طور که خود تشخیص می دهند "امکان هرگونه حرکتی را از چنین نیروهائی سلب نمایند" یا آنها درگیر شوند، به فحاشی و توهین و حتی ضرب و شتم پیشمرگان چنین نیروهائی اداامه دهند.

"درست و صحیح" ارزیابی کردن "وضع دفتر سیاسی" علیه نیروهای سیاسی در کردستان، قهومی جز تشدید وضعت بحرانی کنونی، ندارد. و حزب دمکرات با چنین موضعی همچنان به عنوان عامل اصلی تخریب مناسبات فیما بین نیروهای سیاسی در کردستان بی اعتنائی و بی اعتقادی هر چه بیشتر خود به هرگونه اصل مسلم دمکراتیک در جنبش انقلاب خلق کرد را آشکار ساخته است. بدون تردید اداامه چنین سیاستی و اعلام رسمی آن نمی تواند بی ارتباط با سیاست اداامه درگیری ها و طفره رفتن از پذیرش اثر بس و گسرن نهادن به يك راه حل دمکراتیک از سوی این حزب باشد. اعلامیه دفتر سیاسی در مورد تایید و تصحیحات پلنوم کهنه مرکزی حزب دمکرات، آشکار می سازد که حزب دمکرات، هیچگونه تفسیر اساسی در مواضع خود در این زمینه نداده است. بلکه بالعکس به مقتضای روند حوادث، بر اساس ترین وجوه سیاست های ضد دمکراتیک خود صحنه گذاشته است.



بسیار خونین تر گشته و باز هم اختراع حزب دمکرات از پذیرش هرگونه آتش بسی و اعلام شرط و شروطی غیر دمکراتیک برای پایان دادن به درگیریها و در عمل باز گذاشتن راه برای تداوم خونین آنها.

ما همانطور که بارها نیز گفته ایم، معتقدیم مسلماً درگیریهای کنونی با درگیریهای گذشته يك تمایز اساسی دارند، مثلاً نه در شعارها و اهداف طرفین درگیر که نسبت به سابق تغییر اساسی ای را نشان نمی دهند، بلکه این تمایز قبل از همه در شرایط و موقعیتی از جنبش کنونی است که دیگر امکان و اجازه برخورد کور و بی برنامه یا این درگیریها را به شیوه گذشته نمی دهد و راه حل های کدخدا مشائنه گذشته قادر به پایان دادن به آن نیستند. رشد عموماً جنبش عملاً راه را بر شیوه های ناپایدار حل اختلافات فیما بین میدود ساخته است. درگیریهای کنونی دیگر به یکی از گرهی ترین مسائل تداوم جنبش کنونی، یعنی اصول دمکراتیک ناظر بر آن پیوند خورده است. از همین رو نیز بدین ارائه راه حل اساسی و کاملاً مورد قبول جنبش انقلابی، بدون تثبیت اصول و مناسبات دمکراتیک فیما بین نیروهای سیاسی که التزام "هر دو نیرو را نیز در بر می گیرد، نمی توان از پایان دادن به درگیریها سخن گفت، و هرگونه اثر بسی در شرایط کنونی باید چنین هدفی را دنبال کند.

اگر کومه له در ارزیابی خود گامی فزاینده از وضعت موجود می گذاشت و به ریشه یابی درگیریهای کنونی می پرداخت، علل و عوامل وجودی آنها را جستجو می نمود و تنها به اشاره های کلی به ماهیت طبقاتی حزب دمکرات و تحلیل ویژه خود از بسط و تعمیق فعالیت کومه له بسنده نمی کرد، مسلماً در ارائه راه حل نیز به آنجا نمی رسید که آتش بس را از "انطباق کامل" سیاستهای خود با "صالح جنبش" نتیجه بگیرد. بلکه از ضروریات عینی جنبش و الزامات عملی پیشرفت آنی آن استنتاج می نمود و در

بپردازند. هر از چند گاهی برای اعمال این قدرت بر دیگری به اسلحه توسل جویند که این پروسه در غیاب هرگونه اعتمادی به اراده متشکل توده ها و تسویه به الزامات جنبش، در نهایت به درگیریهای اداامه دار کنونی منجر گشته است. آنها بیرونی اسلحه خود بر دیگری را آن هم در جریان يك مبارزه همه جانبه با رژیم ارتجاعی حاکم، وسیله ای برای تحلیف موقعیت خود و تحقق اهداف کوتاه نظرانه خود محسوب داشته اند. درست در پرتو چنین نگرشی و برخوردی عملی به مسائل نیز هست که حتی رادیکالیسم ناپیکر کومه له هم در عمل رنگ باخته و در خدمت چنین اهدافی قرار گرفته و می گیرد.

از همین رو نیز درگیریهای کنونی بدون تردید اداامه درگیریهای گذشته و حصول اجتناب ناپذیر سیاستهای موجود هر دو نیروست. درگیریهای کنونی حصول اجتناب ناپذیر اهداف محدود و کوتاه نظرانه حاکم بر برنامه و عملکرد هر دو نیروست که انعکاس خود را در مناسبات دو نیرو نهایتاً و نه تنها یکبار بلکه بارها به شکل درگیریهای خونین آشکار ساخته است. حزب دمکرات و کومه له در هیچ برهه ای از حیات این درگیریها پاسخ جدی به مسائل منجر به درگیریها نداده اند. هیچ کدام از آنها حتی در صورت اختراع یکی از طرفین از پذیرش این یا آن راه حل اصولی به نیرو و انرژی جنبش انقلابی و فشار همه جانبه به نیروهای سیاسی در مقابل به چنین افتناعی بها نداده اند. و هر کدام بنوبه خود با اقدامات و تارشیکی های خود، در این یا آن درگیری هرگونه تلاش را نیز بی حاصل نموده اند. در این درگیری حزب دمکرات، در آن درگیری کومه له، در این درگیری حزب دمکرات با پیش شرط محدود نمودن تبلیغات سیاسی بدلیل ناآگاهی نیروش، در آن درگیری کومه له بدلیل عدم وجود "اعتقاد" و "انصاف" ... و نهایتاً در درگیری اورامان حزب دمکرات با اختراع از پذیرش مسئولیت جنایات تشکیلات اورامان خود و باز هم شروع مجدد درگیریها با اقدامات آتارشیستی کومه له بر زمینه همین اختراع حزب دمکرات و در ابعاد

نگاهی به

مبارزات توده‌ای در کردستان

(سه ماهه دوم سال ۶۴)

سیاست تسلیح اجباری و اقدامات ضد انقلابی برای اجرای آن

رژیم جمهوری اسلامی بطور همه روزه در ماههای تیر، مرداد و شهریور، مذبحخانه کوهنید تا با تسلیح اجباری قریب ۶۴ روستا از مناطق جنوبی، مرکزی و شمالی کردستان، شامل سنندج، سرپوان، اورامان، دیواندره، بانه، سنقر، بوکان و مهاباد بخش دیگری از توده‌های زحمتکش روستاها را تحت فشار مزدوران سرکشیگر به تمکین واداشته و با مصلحت آنان را تحت کنترل نظامی خود درآورد. ماهی رسی اخبار مبارزات توده‌ای در سه ماهه اخیر نیز نشان می‌دهد که رژیم نتوانسته است علیرغم تمامی جنایات خود، به اهدافش دست یابد.

سیاست تسلیح اجباری اهالی روستاهای کردستان که رژیم آنرا از سه سال گذشته در پی پیش گرفته است از همان اول با اعتراض زحمتکشان کردستان روبرو بوده است. تاکنون رژیم در این زمینه فشار زیادی را بر دوش اهالی روستاهای سراسر کردستان وارد آورده است. هرچند رژیم تنها با توسل به زور و بعضاً تحمق و فریب توانسته است بطور موقتی این سیاست ارتجاعی را در روستاهایی به اجرا درآورد، ولی بزودی این موفقیت ناچیز مزدوران رژیم موجی از اعتراض اهالی را برانگیخته و اهالی با ابراز نفرت نسبت به این سیاست ضد انقلابی سلاحهای رژیم را به سوی مزدوران پرتاب کرده‌اند و یا در مواردی نیز اهالی این روستاها بمنزوان اعتراض دست به تخلیه روستاهای خود زده‌اند. علاوه بر این دهها حرکت اعتراضی دیگر در هر جایی که رژیم قدم گذارده است بر وقوع پیوسته است.

در سه ماهه گذشته از جمله اقدامات رژیم برای تسلیح اجباری، توسل به ارعاب و دستگیری اهالی بوسه جوانان روستاها بوده است.

ما در گذشته برخی مشخصات عینی مبارزات توده‌ای در شهرها و روستاهای کردستان را نشان داده ایم و بر جنبه‌های بارز آنها که بیانگر روحیه و سطح مبارزاتی خلق کرد علیه سیاستهای متحرکانه رژیم جمهوری اسلامی است تاکید کرده ایم.

در نگاهی به مبارزات توده‌ای کردستان (سه ماهه اول سال ۶۴) مندرج در ریگای کوه شماره ۳۲ نشان داده ایم که در مقابل سیاستها و اقدامات سرکشیگرانه رژیم موج وسیعی از حرکات اعتراضی روستاهای سراسر کردستان را فرا گرفته است، و مبارزات توده‌ای در سه ماهه دوم امسال آشکار می‌سازد که این مبارزات با ابعاد وسیع‌تر همچنان رو به گسترش است.

بررسی حرکات اعتراضی توده‌های زحمتکش در چند ماه گذشته نشانگر استمرار قدرتمند مبارزه توده‌ها در شهرها و روستاهای کردستان و نموداری از روحیات انقلابی توده‌های انقلابی خلق کرد می‌باشد. هرچند این حرکات اعتراضی همچنان فاقد انسجام و یکپارچگی سراسری بوده، در هر حالت چه به صورت محدود و یا بصورت وسیع و پیرامونه عنصر خود بخودی نقش پازری در این حرکات داشته است.

رژیم جمهوری اسلامی که جهت تامین تسلط خود بر کردستان سیاستهای ضد انقلابی نظیر تسلیح سربازگیری اجباری، ایجاد شوراهای اسلامی، دستگیری، اخاذی مالی، تخریب و بانش کشیدن روستاها و اعمال فشار بر توده‌های خلق کرد اتخاذ نموده است، اما همچنان با موجی از اعتراضات توده‌ای در برابر اجرای هر کدام از این سیاستها روبرو بوده و نتوانسته است موفقیت‌های پایداری در پیشبرد این سیاستها بدست آورد.

تخلیک جوانب مختلف سیاست رژیم در کردستان و بررسی اعتراضات توده‌ای نسبت به هر کدام از آنها خود گویای روشن تری از این واقعیت است.

در تیر ماه مزدوران رژیم ۱۰ نفر از اهالی روستاهای "عصر آباد"، "ره شه دی" و "بیله" در منطقه سرپوان را دستگیر و آنان را روانه پادگان شهر نمودند.

در منطقه بوکان نیز جوانان روستای "گانی دریز" دستگیر می‌شوند و مزدوران در اثر اعتراض و مقاومت اهالی موقتی به پرتاب آنان به پایگاه نمی‌شوند. در منطقه بوکان طی مرداد ماه در روستای "حامیان" بعد از یک زد و خورد دو طرفه بین اهالی و مزدوران کتبه اهالی روستا از مردون وین وینر و جوان دستگیر می‌شوند. در ۹ شهریور ماه بعد از یک زد و خورد بکا مزدوران ۵ نفر از اهالی روستای "شیخ چوپان" توسط مزدوران دستگیر می‌شوند. البته لازم بیاد آوری است که توسل رژیم به یک چنین شیوه‌هایی معمولاً توأم با ازیت و آزار شدید اهالی صورت می‌گیرد که در اثر اعتراض توده‌ها در بسیاری موارد نیز رژیم وادار به عقب نشینی گفته است و حتی دستگیر شدگان فوراً آزاد گردیده‌اند.

علاوه بر دستگیریها که زکر آن در بالا رفت، رژیم بعد از یورش به روستاهای مورد نظر برای واداشتن توده‌ها به برداشتن سلاح، تلاش نموده تا در برخی روستاها اسلحه را مستقیماً و بازور بدست جوانان بیاورد و یا با فریب و طرح نگهبانی از روستا تعدادی از اهالی را وادار به برداشتن سلاح نماید. در مواردی دیگر رژیم دست به ایجاد پایگاه در روستا زد تا ضمن تشدید فشار بر اهالی آنان را به تسلیم در برابر سیاست تسلیح اجباری وادارد و یا با برقراری حکومت نظامی در روستا تردد زحمتکشان را زیر نظر بگیرد و ضمن اعمال انواع فشارها، خواست تا اهالی صلح شوند. در مواردی دیگر که رژیم از روشی مستقیم با اهالی چیزی عایدش نشده به شوراهای روستائی توسل شده است تا بلکه با جلب آنها و اعمال زور و ارعاب آنان را به تمکین از سیاست رژیم واداشته و بمنزوان عامل اجرای این سیاست و ترغیب اهالی روستاها از آنها استفاده نماید.

مزدوران رژیم که در پیشبرد اهداف خود در منطقه بانه بکا شکست مواجه شده بودند در مرداد ماه طی نشستی با سرکشیست مسئولین ارگانهای سرکشی از جمله مسئول سپاه پاسداران، معاون

نگاهی به ۵۵۵

۱۲ مرداد ماه در روستای "گزگزاره" روی ران. هنگامی که مزدوران رژیم به منظور تسلیح اجباری به این روستا یورش آوردند، اهالی زحمتکش در مقابل خواست ارتجاعی مزدوران دست به اعتراض زدند. مزدوران برای مقابله با اعتراضات توده ها بسیی آنها تیراندازی کردند. در اثر این تیراندازی ۲ نفر از زحمتکشان مجروح شدند. با این وجود توده های زحمتکش این روستا همچنان بر تصمیم خود پافشاری کردند.

— اهالی روستای "گچ آباد" در منطقه مهاباد در مقابل فشار رژیم برای تسلیح اجباری سر تسلیم فرود نیاوردند و تاکید کردند اگر رژیم دست از اعمال فشار بردارد روستا را به نشانه اعتراض تخلیه خواهند کرد.

— در منطقه رباط هنگامی که پاسداران جنایتکار، شوراهای چند روستا را فراخواندند تا آنان را برای اجرای سیاست تسلیح اجباری در این منطقه جلب نمایند، این حرکت مورد اعتراض زحمتکشان روستا ها و شوراهای آنها قرار گرفت.

— بعد از فشار رژیم به روستاهای منطقه "گورک" سقز اهالی روستاهای این منطقه سر به روستاهای طاهر بیده، "قتلاق افغانان"، "کندلان" و "بوئکان" به مقاومت و اعتراض پرداختند و مزدوران را وادار به عقب نشینی کردند. اهالی روستای "بوئکان" در منطقه پیش از آنکه مزدوران امکان ورود به روستا را پیدا کنند، راه آنان را سدود ساخته و ضمن دادن شعار با سنگ و چوب به خود پاسداران حمله کردند و مانع ورود آنان به روستا شدند. طی حرکت مشابهی زحمتکشان روستای "شیخ جویان" در منطقه سقز بعد از فشار و زور مزدوران به تعرض علیه آنان پرداختند و با سنگ و چوب به خود مزدوران حمله ور شده و شیشه آنرا خرد کردند که طی آن دو پاسدار به هلاکت رسیده و یک زن زحمتکش زخمی گشت.

همچنین تممادی از اهالی روستای "پیوهران" و "قره چر" از منطقه سقز - روستای "ماواند" انیسی و "کورانه" در منطقه "گورک" و چند روستا در منطقه دیواندره که به زور مزدوران رژیم مسلح شده بودند طی اعتراضات خود، سلاح های رژیم را پس می دهند

به ترک روستا گردیدند.

— اهالی روستای "کانی دریش" در منطقه بوکان طی یک حرکت اعتراضی مزدوران را وادار کردند تا جوانان روستا را که بعد از یورش خود دستگیر کرده بودند آزاد نمایند.

— زحمتکشان روستای "زوم" در منطقه اورامان در پاسخ به اخطار مزدوران برای تسلیح اجباری و سیاست پایگاه سازی در روستا دست به یک حرکت اعتراضی زدند، تیراندازی مزدوران بطرف اهالی خللی در اراده آنان بوجود نیاورد و در ادامه اعتراض زحمتکشان مزدوران عقب نشینی کردند.

— اهالی روستای "کوله سه پایین" در منطقه سردشت همگی پیمان بستند اسلحه رژیم را بردارند.

— اهالی روستاهای منطقه "گورک" میسر و در مقابل سیاست تسلیح اجباری دست به اعتراض زدند. در طی دو حرکت مشابه در روستاهای "پیوهران" و "قره چر" در منطقه گورک سقز در ادامه اعتراض به سیاستهای سرکوبانه رژیم که توسط زحمتکشان این روستا ها صورت گرفت، زحمتکشان به مقر جاشها و پاسداران حمله ور شدند و در نتیجه آنان را خرد نمودند. همچنین اهالی روستای پیوهران در تداوم این حرکت با خواست آزادی دستگیر شدگان به شهر مراجعه کردند و در جلو فرمانداری شهر نیز دست به اعتراض زدند.

در منطقه بوکان رژیم به روستاهای "چوم مجید خان"، "ترغه" و بعضی از روستاهای منطقه فیض الله بیگی اعلام داشت که اهالی باید مسلح شوند و جوانان نیز به مسربازی بروند. این اخطار رژیم بسیی اهالی این مناطق مواجه گشت و در اوایل خرداد ماه زحمتکشان روستای "حامیان" در منطقه بوکان پس از یورش رژیم و اعمال زور برای تسلیح اهالی دست به یک حرکت اعتراضی زدند. این حرکت اعتراضی تبدیل به درگیری با مزدوران شد که در نتیجه آن در اثر ضرایب چوب و سنگ زحمتکشان یک پاسدار به هلاکت رسید و چند تن از پاسداران نیز زخمی شدند، سرانجام با زور اسلحه مزدوران تمامی اهالی روستا دستگیر شدند.

— مشابه همین حرکت در تارینخ

واحد بسیج، معاون اطلاعات بسیج و مزدوران دیگر، تصمیم گرفتند تا جهت تسلیح اهالی منطقه شوراهای روستا ها و ملاها را برای همکاری دعوت نمایند. در این نشست تصمیم گیری شد که روستائیان منطقه با همکاری شوراهای ملا ها مسلح شوند، همچنین آنها تصمیم به تسلیح اجباری اهالی روستاهایی که در مسیر تردد مزدوران واقع شده اند گرفتند، در همین رابطه روز بیستم مرداد ماه ۳۱۲ نفر از اعضای شوراهای ملا ها به شهر بانه احضار شدند.

الف) اشکال حرکت اعتراضی در برابر سیاست تسلیح اجباری

مزدوران رژیم جمهوری اسلامی هر جا که برسد برآمده اند تا بهر نحو ممکن توده ها را وادار به تسلیح نمایند و سیاست تسلیح اجباری را بر آنها تحمیل کنند، با موجی از اعتراضات خشم آکنده اهالی زحمتکش روستا ها مواجه گردیده اند و سرانجام بعد از قتلای بی فوجام مجبور به عقب نشینی شده اند.

توده های زحمتکش در عملی به دشمنان خود نشان داده اند آنان برای دفاع از حقوق حقه خود تا پای جان پیش خواهند رفت و تسلیم نخواهند شد.

— اهالی روستاهای "عصر آباد"، "ره شه دی"، "بیله" در منطقه مریوان با اعتراض دسته جمعی نسبت به دستگیری ۴ نفر از اهالی این روستا مزدوران رژیم را به عقب نشینی واداشتند. عده ای از زندانیان آزاد گردیدند و عده ای در اسارت باقی ماندند با این وجود زحمتکشان اعلام داشتند "هرگز اسلحه رژیم را بر نخواهند داشت".

— اهالی روستای "وسر" از "راوه رود" منطقه سنندج در مقابل خواست مزدوران جانی بر تسلیح اجباری از پذیرفتن خواست مزدوران سر باز زدند و در مقابل تیراندازی، دستگیری و آزار و اذیت مزدوران سر تسلیم فرود نیاوردند.

۲۵ نفر از اهالی روستای "دسرگر" در منطقه شمال کردستان که تحت فشار مزدوران سرکوب رژیم، مسلح شده بودند یکروز بعد از تسلیح اجباری، اسلحه های رژیم را بطرف جاش های مزدور پرتاب کردند که مزدوران با سرفاکنندگی مجبور

نگاهی به ...

ب) علیه سیاست سیاست‌گیری اجباری

رژیم در مانده جمهوری اسلامی در چند سال اخیر علاوه بر اعمال سیاست ارتجاعی تسلیح اجباری، تلاش زیادی بکار برد تا با سرکشی گیری اجباری جوانان انقلابی کردستان را قربانی سیاستهای ضد خلقی اش نماید. اما چندان موفقیتی در این زمینه بدست نیاورده است.

در اواخر تیرماه مزدوران رژیم ضعیف مدوری یک اطلاعیه توسط سپاه پاسداران برای جلب مشولین که ۲۴ روستا را در منطقه سردشت شامل می‌گردید، یورش گسترده ای را آغاز کردند. حین این یورش که هدف دستگیری جوانان را دنبال می‌کرد، چند نفر از جوانان زحمتکش روستاهای منطقه دستگیر و به مراکز نظامی رژیم برده شدند. اهالی روستاهای و جوانان دستگیر شده نسبت به این سیاست ضد خلقی اعتراض نموده، عده ای از جوانان موفق به فرار شدند و برخی دیگر روانه پادگانها گردیدند.

زنان زحمتکش منطقه اشویه، علیه دستگیری ۸۰ نفر از جوانان این منطقه دست به اعتراض زدند. اهالی روستای دانش‌بلاغ در منطقه افشار روز ۲۷ مرداد ماه نسبت به یورش مزدوران و اقدام آنان جنسی بر دستگیری جوانان این روستا دست به اعتراض زدند. مزدوران سرکوبگر برای جلوگیری از گسترش حرکات اعتراضی توده ها با تیراندازی بسوی آنها، سه نفر از اهالی زحمتکش را زخمی نمودند.

همچنین اهالی روستاهای منطقه سقز به شیوه های مختلف اعتراضات خود را نسبت به سیاست سرکشی رژیم ابراز داشتند. مزدوران رژیم در چند مورد از جمله در روستای قره چمر روستاهای بویشان، کندلان و سیادی بالا، پیرو عملیات به دستگیری جوانان پرداخته و چندین نفر از جوانان را با زور راهی پادگانها نمودند. مزدوران

پیشمرگان و با تداوم مبارزات خود یکبار دیگر ثابت کرده اند که هیچ قدرتی را یارای مقابله با عزم و اراده توده های زحمتکش نیست. نمونه های زیر جلوه های مختلفی از سیاست آزار و اذیت مزدوران رژیم را نشان می دهد:

در چندین مورد در اثر ضرب و شتم مزدوران، اهالی بیدفاع روستاها جان سیرده اند: پنج تیر ماه در روستای "سیف" از منطقه مریوان در اثر تیراندازی مزدوران بسوی زحمتکشان مقترض به سیاست آزار و اذیت رژیم یک نفر از اهالی به شهادت می رسد. هشت تیر ماه یک نفر از اهالی روستای "کیل سیان" در اثر یورش نیروهای سرکوبگر به شهادت می رسد. در اعتراض باین جنایت، زحمتکشان مزدوران را تهدید به تخلیه روستا می کنند.

روز ۲۱ / ۴ / ۶۴ مزدوران در روستای "قره صاب" با یورش به خانه یکی از اهالی بنام "کاک عبدالله شریفی" او را به شهادت می رسانند.

در تاریخ ۱۶ / ۵ / ۶۴ مزدوران به روستای "برنجیان" یورش برده و بعد از اذیت و آزار اهالی یک نفر را با خود برده و در نیمه راه او را به شهادت می رسانند.

در بسیاری از روستاها، رژیم برای فشار به اهالی با ایجاد فضای رعب و وحشت سمعانه زحمتکشان را تحت آزار و اذیت قرار داده اند، لیکن توده های زحمتکش با روحیه ای انقلابی، مقاوم و استوار در برابر سیاستهای ارتجاعی رژیم ایستادگی کرده اند. در منطقه بانه، اهالی روستای "شیوه" فرمانده پایگاه را که برای ارباب زحمتکشان به طرف آنان اسلحه کشیده بودند بعد از کک مفصل از روستا بیرون می کنند.

در منطقه پیرانشهر اهالی روستاهای "زنگ آباد"، "کرنجک آباد" و روستاهای منطقه "لاجان" از بیگاری برای مزدوران، سرکشی می زنند. مزدوران زبونانه در برابر این مقاومت توده ای، ۲۵ ترانکتر اهالی را توقیف می نمایند. در ششم شهریور در روستای "هاجی دره" در منطقه مهاباد مزدوران با تیراندازی چند نفر از اهالی را زخمی و بی توجه به اعتراض زحمتکشان زخمی ها را طناب پیچ کرده و با خود می برند.

در منطقه بانه روز ۲۱ تیرماه

برای پیشبرد این سیاست شدیداً اهالی را زیر ضرب و شتم قرار داده و چندین نفر را زخمی کردند.

در منطقه اورامان مزدوران ۳۰۰ نفر از جوانان را برای اعزام به سرکشی دستگیر کردند. همچنین در روستاهای شمال کردستان در منطقه ارومیه رژیم با هدف دستگیری جوانان روز ۲۷ شهریور ماه به روستاهای "سیناوی"، "براسب"، "علیه"، "ژرایی" و "انبی"، اهالی این روستاها را مورد حمله قرار می دهند. روز بعد مزدوران با یورش و حشانه خود موفق به دستگیری ۱۰۰ نفر از اهالی این روستاها می گردند.

رژیم که بخوسی می داند از هیچگونه نفوذی در بین توده های خلق کرد برخوردار نمی باشد و با تبلیغات مزدورانه و بخشش فراعوانهای رسمی نمی تواند جوانان انقلابی را زیر سلطه خود بکشد، فوراً به روستاهای مورد نظر یورش می برد، تا پیشاپیش مانع فرار جوانان از روستا گشته و آنها را دستگیر و روانه پادگانها نماید. اما با این وجود دیگر بن بست این سیاست و عدم موفقیت رژیم در اجرای آن بر همگان روشن گردیده و رژیم هر چند بطور کامل در این زمینه به عقب رانده نشده است، ولی باز هم بنحو محسوسی از تمرکز فشار خود که در خدمت این سیاست بر توده های خلقی کرد اعمال می نمود، نسبت به ماههای قبل کاسته است.

پ) اعتراض توده ها نسبت به آزار و اذیت اهالی توسط مزدوران رژیم

رژیم جمهوری اسلامی برای تامین اذیت پایگاههای مزدوران خود و ایجاد رعب و وحشت در میان زحمتکشان و گستن پیوند آنان با پیشمرگان از هیچ آزار و اذیتی در قبال مردم زحمتکش کردستان فروگذاری نمی کند. یورش به روستاها، اذیت و آزار اهالی، دستگیری، اخاذی مالی، غارت و چاول اسوال، تیراندازی بسوی مردم و... از جمله سیاستهای ارتجاعی مزدوران رژیم در روستاهای کردستان است.

اما توده های خلقی که با حمایت مادی و معنوی خود از

گوشه ای از قدرت لایزال و انقلابی
خلق کرد و عزم همه جانبه آن برای
تحقق اهداف خوش است.

۲- مبارزات توده ای علیه رزم
فشار و سرکوب شدید همچنان
استمرار خود را حفظ نموده و
رژیم نه تنها با اقدامات ضعیف
انقلابی اش نتوانسته است همبستگی
و پیوند توده های زحمتکش را
با پیشمرگان از هم بکشد، بلکه
در تمامی زمینه ها با ورشکستگی
مفتضخانه ای روبرو بوده است.

۳- مبارزات توده ای علیه رزم
استمرار خود، فاقد سازماندهی
و انجام است. پراکندگی در
حرکات اعتراضی بعنوان عامل
مؤثری قدرت رزمی توده ها را
در مقابله با رژیم محدود کرده
و به علت فقدان رهبری واحد و
متمرکز هرگونه سازماندهی وسیع
توده ای، بسط و گسترش شعارهای
واحد و انقلابی در مرحله کنونی
و با توجه به سطح مبارزات توده ها
در مبارزات توده ای، تعمیق نیافته و به
شمار روز توده ها (شعاری که تبلور
اهداف مبارزه کنونی در وجوه
مشخصه آن باشد) بدل نگشته
است.

بررسی مبارزات توده ها در
شش ماه گذشته یکبار دیگر ضرورت
سازماندهی این مبارزات و لزوم
رهبری انقلابی آنها به عینه آشکار
می سازد.

همانطور که قبلاً نیز در سرمقاله
رنگی که شماره ۳۳ گفته بودیم:
«ملأ» بدون آن که این
مبارزات اعتراضی در هم گره خورد و
تحت هدایت یک قدرت متشکل
توده ای قرار نگیرد و همچنان
پراکنده هرچند با ابعاد گسترده
آدامه پیدا کند، نهایتاً در نبودن
آن عامل تداوم و قدرتمندی چنین
مبارزاتی یعنی اصرار متشکل توده ای،
نخواهد توانست به پیروزیهای پایدار
در قبال سیاست های رژیم نائل
آید. امروز باید تلاش نمود
بر زمینه همین مبارزات اعتراضی و بر
بستر موجودیت آنها هسته های
اصلی تشکل توده ای برای هدایت
آنها را ایجاد کرد که علاوه بر به
شمار رساندن اینگونه مبارزات اعتراضی
تحت شعارهای متمرکز و هدفمند
انقلابی، خود این اعتراضات را به
عامل قدرتمند در مقابله همه جانبه با
رژیم جمهوری اسلامی در کردستان بدل
ساخت.

نگاهی به ۵۵۵

سیده - نیز مزدوران ۸۰۰ تومان
به غارت می برند.

- در شهریور ماه مزدوران رژیم
تحت عنوان پیشمرگه در روستای
"گیزمل" با زور و تهدید مبلغ
۴۵۰۰ تومان از اهالی اخاذی
می کنند.

- در روز ۱۰/۴/۶۴ در منطقه
"بازار سردشت" مزدوران از ۲ عابر
مبلغ ۷۵۰ و ۲۵۰ تومان اخاذی
مالی می نمایند.

- در اثر فشار یک جاش به یکی
از اهالی روستای "کویه گوریز"
بنی بر پرداختن ۵۰۰۰ تومان
سرد زحمتکش که بناچار ۵۰۰۰ تومان
موجودی خود را پرداخته بود
در نیز ضربات کتک جاش کتف جان
خود را از دست می دهد.

- روز ۱۸ مرداد ماه مزدوران
با زور و تهدید مبلغ ۲۷۰۰۰
تومان از اهالی روستای "کلاکون"
اخاذی می شود.

اما هیچکدام از این سیاستهای
ارتجاعی قادر نبوده است روحیه
انقلابی خلق کرد را درهم
شکند. رژیم نیز در اوج زوال است
و پستی نتوانسته است پایه های
حکومت ستم و جنایت خود را در
کردستان مستحکم نماید. در
خاتمه آنچه را که می توان در یک
کلام نتیجه گرفت این است که:

- طی سه ماهه دوم سال ۶۴
مبارزات توده های انقلابی خلق کرد همچنان
با قدرت و ابعاد وسیع تداوم
یافته و رژیم علیه بکارگیری
شیوه های مختلف باز هم نتوانسته است
اراده انقلابی زحمتکشان کردستان
را درهم شکند.

ت مشخصات عمومی

مبارزات توده ای

در کردستان

۱- بکارگیری شیوه های انقلابی
مبارزه توسط توده های خلق کرد
یکی از جنبه های بارزی است که
غالباً در حرکات اعتراضی طی ماههای
گذشته مشاهده می گردد. در حقیقت
مبارزات توده ای علیه رژیم در سه
ماه گذشته بیش از همه بیانگر

در روستای "سویج" و در منطقه
دیواندره در روستای "توکلان"
و در روستای "قلات" در منطقه
پیرانشهر مزدوران رژیم بعد از
آزیت مردم به سوی آنها تیراندازی
کردند.

هدف این حملات جنون آسا
انتقام کشی از زحمتکشی بود که
پیشمرگان انقلابی را تحت حمایت
خود قرار داده بودند. مزدوران
رژیم برای نشان دادن قدر قدرتی
خود زیوانه دست به آتش کشیدن
روستاها نیز زده اند. در ۲۱ تیر
ماه روستاهای شمال کردستان
از جمله "شرین" و "دی گوزان"،
"کیجگران"، "چرمی"، "کاولان"،
"دیمان"، "ناصرآباد"، "مرشان"
را به آتش کشیدند و اهالی آنها
را آواره روستاهای اطراف نمودند.
- روز ۱۴/۵/۶۴ مزدوران
خانه و کلیه سخت زمستانی
روستای "قباد بلیان" در منطقه
پیرانشهر را به آتش کشیدند.
روستاهای "بازرگان" و "هوشینان"
در منطقه نقده نیز توسط
مزدوران به آتش کشیده شد.

در روز ۱۶/۵/۶۴ مزدوران
بعد از به آتش کشیدن محصولات
اهالی روستای "نشان" آنها
را تهدید کردند در صورت
هم نگذاری پیشمرگان تمامی روستا
را به آتش خواهند کشید. در روز
۱۰ شهریور بعد از ضربات کاری
پیشمرگان بر مزدوران رژیم
مراجعین روستای "گانی سپی"
در منطقه ارومیه را مورد یورش
قرار داده و به آتش کشیدند و
در همین روز در روستای "زونج"
در منطقه سنندج در اثر تیراندازی
مزدوران انبار علوفه زمستانی
یکی از اهالی دچار حریق
گردید. در شهریور ماه نیز روستاهای
"حسین آباد" و "ککان" در منطقه
بوکان و انبوهی توسط مزدوران رژیم
تخریب گردید.

مزدوران رژیم با اخاذی مالی
جلوه دیگری از
سیاستهای جنایتکارانه
خود را به نمایش گذاشتند

- مزدوران رژیم طی یورش
به روستای "شقال" محظوظ در منطقه
نقده مبلغ ۱۰۰/۰۰۰ تومان از
یک خانه به غارت می برند. از خانه
یکی از اهالی روستای "گانی مام"

پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران

کوشیده اند تا اهالی این منطقه را به نفع رژیم وادار به تسلیم نمایند. اما زحمتکشان این منطقه، در قبال این حرکات ارتجاعی رژیم دست به مقاومت زده و تن به چنیـــــــن سیاست هائی نداده اند. مزدوران سرکوبگر که در به تمکین واداشتن توده های اهالی از هیچگونه عمل جنایت آمیزی فروگذار نمی کنند با توسل به شیوه های مختلف برآنند تا به هر قیمت زحمتکشان روستاهای این منطقه را به تسلیم اجباری وادارند.

چندی پیش، بیش از هفتاد نفر از اهالی روستای "قوجه" را که از صلح شدن به نفع رژیم اشغال ورنیده اند، دستگیر نموده و با هدف ایجاد تیزلزل در اراده آنها، به انزیت و آزارشان می پردازند.

در همین رابطه، مزدوران سرکوبگر، اهالی زحمتکش روستای "ترمنی" را مورد تهدید قرار داده و آزارشان خواسته اند که یا به نفع رژیم صلح شوند و یا اینکه روستا را تخلیه نمایند. مردم ستمدیده این روستا، که به هیچ قیمتی حاضر نیستند به خواست ارتجاعی مزدوران تمکین کنند روستا را تخلیه کرده و به روستاهای اطراف پناه می برند.

اخبار جنبش توده های



و در اثر ضرب و شتم سرکوبگران تعدادی از اهالی صدمه می بینند و چهار نفر از آنان بی هوش می شوند. اما اهالی همچنان مصمم و استوار ایستادگی نموده تن به سیاست های مزدوران نمی دهند.

اعتراضات توده های علیه تسلیم اجباری

بوکان

چندی قبل، مزدوران سرکوبگر، در ادامه سیاست های ارتجاعی خود، با یورش وحشیانه به روستاهای "آق جوان"، "ارمنی بلاغی" و چند روستای دیگر، ضمن آزار و تهدید اهالی این روستاها، به مدیحه تلاش می کنند تا آنان را به نفع رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی وادار به تسلیم نمایند. سرکوبگران جنایتکار، هر چند که در پی این هدف ضد مردمی خود، زحمتکشان این روستاها را شدیداً مورد آزار قرار داده و به زور و سرنیزه ضومل می شوند، اما مردم دلاور این روستاها، ضمن مقاومت سرسختانه، نسبت به این عمل وحشیانه دست به اعتراض می زنند.

ههوشار

مزدوران رژیم جمهوری اسلامی، جهت دست یابی به اهداف ضد انقلابی خود، مردم مناطق افشار را نیز تحت فشار قرار داده و با اعمال سیاست های سرکوبگرانه، مدیحه تلاش می

ارومیه

چندی پیش، مزدوران سرکوبگر به منظور تسلیم اجباری توده ها، به روستاهای "بانسی و براسب" در منطقه "که لی" به رده و شتر بطرز وحشیانه ای هجوم می برند و از اهالی این روستاها می خواهند که به نفع رژیم صلح شوند. زحمتکشان این روستاها در برابر این خواست ارتجاعی دست به مقاومت می زنند. مزدوران، به منظور دست یابی به اهداف ضد انقلابی خود، به آزار و تهدید پرداخته و چهار نفر از اهالی زحمتکش روستا را دستگیر نموده و به پایگاه "سیرو" می برند، تا از این طریق توده ها را وادار به تسلیم نمایند. اما زحمتکشان این روستاها به مقاومت خود ادامه داده و ضمن اعتراض به اقدامات وحشیانه مزدوران، از پذیرفتن خواست آنان اشغال می ورزند. سرکوبگران، در ادامه وحشیگریهای خود، به انزیت و آزار و شکنجه روستائیان می پردازند و دست به هر عمل جنایت آمیزی می زنند، تا شاید توده ها را وادار به تمکین کنند. هر چند طی این اعمال وحشیانه،

مهاباد

در تاریخ ۲۱/۷/۶۴ عده ای از جاش ها به همراهی پاسداران مزدور، به منظور تسلیم اجباری اهالی روستای "سراو" کلجلی به این روستاها یورش می برند. اما اهالی زحمتکش این روستاها، متحداً دست به مقاومت زده و نسبت به این حرکت مزدوران اعتراض می کنند. آنان در ادامه حرکت اعتراضی خود به شهر مهاباد می روند و با تجمع در مقابل ارگان های دولتی سیاست های ارتجاعی رژیم را محکوم می کنند.

سنندج

مزدوران سرکوبگر رژیم، جهت تسلیم اجباری، مردم زحمتکش منطقه "چم شار" را نیز تحت فشار قرار داده و به انزیت و آزار آنها پرداخته اند. از جمله در این اواخر، با اعمال زور و

☆ اخبار جنبش توده‌ای

تهدید علیه اهالی ستمدیده روستای "قره یان" و انجام همه گونه حرکات ایدئائی نسبت به آنان، به عبت کوشیده اند تا آنان را وادار به تسلیم کنند. اما مردم زحمتکش روستا،

در مقابل این خواست ارتجاعی و ضد مردمی مزدوران مقاومت کرده و از تسلیم اجباری امتناع می کنند. سرکوبگران، با وجود آنکه از همکاری و کمک عناصر فرصت طلب و شورای فرمایشی اسلامی روستا نیز برخوردارند و از این طریق نیز در پی مقصود خود تلاش می کنند، اما کاری از پیش نبرده و نمی توانند خللی در تصمیم اهالی ایجاد کنند. سرانجام در تاریخ

۲۴/۷/۶۴ اهالی روستا همگی تجمع نموده و قاطعانه به مزدوران اعلام می کنند که: هیچوقت حاضر به چنین کاری نیستیم و مسلح نمی شویم. و به مقاومت یکپارچه خود ادامه می دهند. در این میان علیرغم تسلیم چهار پنج نفر از سرپرندگان رژیم با هدف تطمیع و ترفیب اهالی به تسلیم اجباری اهالی روستا، مصمانه به مقاومت خود ادامه می دهند.

اعتراضات توده‌ای علیه سربازگیری اجباری

دیواندره

مزدوران رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی، در پی اهداف و سیاستهای ضد مردمی خود، و برای سربازگیری اجباری اهالی روستای "گلپیه" در منطقه "قره طوره" را تحت فشار قرار داده و مذبحخانه تلاش نمودند تا فرزندان مردم زحمتکش اهالی را دستگیر و روانه پادگان ها و جبهه های جنگ ارتجاعی ایران و عراق نمایند. اما اهالی دلیر این روستا ضمن مقاومت یکپارچه خود، به این حرکت مزدوران اعتراض نموده و با حرکت نمرضی خود آنان را وادار به عقب نشینی می کنند.

سرکوبگران در تاریخ ۱۱/۶/۶۴ عده ای از جوانان این روستا را دستگیر و زندانی می کنند و فردای روز بعد یعنی ۱۲/۶/۶۴ در ادامه همین سیاست ارتجاعی و ضد مردمی خود، روستای فوق را به محاصره درمی آورند و ضمن تیراندازی، برآندگسا روحیه مقاومت جوانان روستائیان را درهم شکسته و آنان را به زانو درآورند. اما اهالی روستا، نسبت به این عمل مزدوران اعتراض نموده و دسته دسته به طرف پایگاه آنان می روند و در نزدیکی آن تجمع می کنند. سرکوبگران مستقر در پایگاه، در برابر اعتراضات اهالی می گویند: "عده ای از شما سربازی نکرده اید و باید به سربازی

بروید". مردم روستا ضمن آنکه بر شدت اعتراضات خود می افزایند، ضد و یکپارچه در جواب مزدوران اعلام می دارند که: "سربازی نمی گیریم و حاضریم چنین کاری نیستیم". مزدوران سرکوبگر، ناتوان در مقابل اتحاد و یکپارچگی اهالی، اقدام به تیراندازی می کنند که بر اثر آن یک نفر از اهالی زخمی می شود. زحمتکشان روستائی، با دادن شعار علیه مزدوران رژیم، و با خشم و کینه عمیقی، به طرف پایگاه حرکت می کنند و به آن نزدیک می شوند زنان زحمتکش روستا، با شجاعت هر چه تمامتر، خود را به سیم های خاردار دور پایگاه می رسانند. مزدوران سرکوبگر مستقر در پایگاه، در وحشت و هراس از یگانگی اهالی، سنگر گرفته و پی در پی از پایگاههای اطراف تقاضای نیروی کمکی می کنند. مردم روستا، موکداً خواست آزادی دستگیرشدگان می شوند. زنان دلاور به داخل پایگاه نفوذ کرده و دیگر اهالی روستا نیز خود را به داخل پایگاه می رسانند. درگیری شدید میان مردم زحمتکش روستا و سرکوبگران آغاز می شود. توده های اهالی، در نهایت کین و نفرت به مزدوران حمله ور می شوند و خشم انقلابی خود را نشان آنان می کنند. در عین حال، عده ای دیگر از زحمتکشان روستا، سریعاً خود را به زندان پایگاه رسانده و با شکنج در زندان، دستگیرشدگان را آزاد می کنند. مزدوران، برای جلوگیری از حرکت انقلابی توده ها، اقدام به تیراندازی می کنند، اما توده ها در ادامه حرکت اعتراضی و طوفانده خود، تعدادی از مزدوران را خلع سلاح می کنند. سرکوبگران که اوضاع را بر این منوال می بینند، در هراس از عقب یابی این حرکت

انقلابی مجبور به عقب نشینی می شوند و خطاب به توده ها مطرح می کنند که: "از شما سرباز و سربازی نمی خواهیم، فقط سلاح ها را به افراد پایگاه برگردانید".

ارومیه

در تاریخ ۲۹/۶/۶۴ عده ای از پاسداران سرمایه با همدستی جاشی های مزدور و خود فروش به منظور سربازگیری اجباری، به روستای "مکان" در منطقه "مرگور" یورش می برند. جوانان این روستا، قبل از رسیدن دشمن و پیش از آنکه دست به مقاومت بزنند، جوانان بانان بروند، به ضد کوه های اطراف، از روستا خارج می شوند. مزدوران که تلاش های مذبحخانه خود را بی ثمر می بینند، به شکل جنین آمیزی از راه دور به سوی جوانان تیراندازی می کنند و یک نفر را زخمی می کنند و سپس ضمن بی حرشی به اهالی، به ادیت و آزار آنان می پردازند.

همچنین در تاریخ ۳۱/۶/۶۴ روستاهای "شیخ زه" و "جیزان" در منطقه "مرگور" به همین منظور مورد یورش وحشیانه مزدوران واقع می شود. جوانان روستا، به جز چند نفر که دستگیر می شوند، بقیه موفق به فرار از چنگ مزدوران می گردند. بدنبال این حرکت ارتجاعی مزدوران و دستگیری جوانان، اهالی روستا دست به اعتراض می زنند و به ویژه زنان زحمتکش روستا با حمله به مزدوران و سنجاران گردن آنان، ضمن شکنج تنگ یکدیگر از مزدوران، موفق می شوند، دستگیر

☆ اخبار جنبش توده‌ای

شدگان را از جنگ آنان در آورده و
سرکوبگران را از روستا بیرون
راندند.

مهاباد

رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی،
در تاریخ ۶۴/۷/۲۱ با کسب
ستون نیروهای سرکوبگر خود
به روستاهای "چوم مجید خان"
شامات و قسمی از "معال"

آختاجی مهاباد" هجوم وحشیانه‌ای
را آغاز می‌کنند و با به محاصره
در آوردن روستاها، دست به
سویازگیری وسیعی در این منطقه
می‌زنند.

مزدوران رژیم، که از مقاومت
و اتحاد مردم این منطقه و حمایت
فعال آنان از جنبش انقلابی خلق
کرد و پیشمرگان قهرمان آن،
اطلاع دارند و همچنین نفرت و
کینه عمیق آنان را نسبت به
خود دریافته‌اند، با توسل به
این شیوه سرکوبگرانه و با بسیج
گسترده نیروهای مزدور خود،
ضمن ایجاد جو ترس و وحشت
در میان اهالی، عده‌ای از
جوانان را بازور و تهدید
نستگیر نموده، روانه پادگانها
و جبهه‌ها می‌کنند.

سیاست آزار و اذیت زحمتکشان

تسلط ترس و ترسناکی

در مقابل

جنبش انقلابی خلقی کرد است!

روستاهای "آلاوا" و "کویستان" و
میرگه قوری" مورد هجوم
وحشیانه مزدوران قرار می‌گیرد.
سرکوبگران، ضمن آزار و اذیت
اهالی این روستاها درخواست
زکات و "آجاره" و... می‌کنند.

در تاریخ ۶۴/۷/۴ نیز،
عوامل مزدور رژیم به روستای
"سیسر" و "نستان" حمله
می‌برند. سرکوبگران ضمن آزار و
اذیت زحمتکشان، آتبارهای علوفه
دام‌ها و احشام روستای "نستان"
را به آتش می‌کشند. همچنین به
منظور ایجاد پایگاه در روستای
"سیسر" چند خانواده از این
روستا را وادار به تخلیه خانه‌های
خود می‌کنند و به تهدید اهالی
جهت برجیدن اقل‌ها در روستا
می‌پردازند.

هه و شار

بدنبال ضربات کاری که پیشمرگان
قهرمان خلق کرد در تاریخ

یازدهم مهرماه به مزدوران سرکوبگر
رژیم در روستای "باغلوچه" وارد
می‌نمایند. سرکوبگران روز
۶۴/۷/۱۲ ناتوان از مقابله با
پیشمرگان، و در جریان ضربات
آنان، روستای فوق را محاصره
نموده و با یورش وحشیانه خود
به آذیت و آزار اهالی می‌پردازند.
مزدوران طی این هجوم
وحشیانه خود و ایراد ضرب و شتم
نسبت به اهالی، دوتن از آنان
را دستگیر کرده و همراه خود
می‌برند که پس اترمدنی یکی
از آنان آزاد می‌شود.

پیرانشهر

در تاریخ ۶۴/۶/۲۵ مزدوران
جبهه خوار و مسلح رژیم، به
روستاهای "خرابه" و "خری برد"
آنان حمله برده و با اعطال زور
و سرکوب، موجب آزار و اذیت
اهالی می‌شوند. چهار نفر از
اهالی که شدیداً مورد ضرب و
شتم قرار گرفته‌اند، به شدت زخمی
می‌شوند. مزدوران سرکوبگر،
به این درجه از ستم و وحشیگری
اکتفا نمی‌کنند، پس از این
حرکت ارتجاعی، روستای "خرابه"
را با کمال بیرحمی به تسبی و
خماره می‌بندند که بر اثر آن،
اضافه بر آنکه خسارات مالی
فراوانی به اهالی زحمتکش
تحمل می‌شود، ضرر به زخمی
شدن دوتن دیگر از روستائیان
می‌گردد. اهالی این روستا در
اعتراض به این جنایات و
وحشیگریهای مزدوران، بصورت
دسته جمعی به شهر پیرانشهر
رفته و با تجمع در مقابل مقر
سیاه پاسداران، کین و نفرت
خود را نسبت به دژخیمان سرکوبگر
به نمایش می‌گذارند.

همچنین در تاریخ ۶۴/۶/۲۹
عده‌ای از مزدوران مسلح رژیم
در روستای "دوله گویزان"
به طرز جنون آمیزی به طبری
اهالی تیراندازی می‌کنند، که
بر اثر این عمل وحشیانه، یک زن
جان خود را از دست می‌دهد.

در تاریخ ۶۴/۷/۱ نیز
گروهی از مزدوران سرکوبگر
به روستای "بادینسای" وحشیانه

رابط

در تاریخ ۶۴/۶/۲۹، جاشهای
مزدور، روستای "شغیل" در
منطقه "گور موسی" را مورد
هجوم وحشیانه خود قرار می‌دهند،
و ضمن دستگیری یک نفر از اهالی،
به آذیت و آزار دیگر روستائیان
می‌پردازند. روستائیان
زحمتکش، در اعتراض به این عمل
وحشیانه، دست به تظاهرات زده
و با دادن شعار علیه رژیم و
سرکوبگران مزدور، آنان را
وادار به آزادی فرد دستگیر شده
می‌کنند.

در تاریخ دوم مهرماه نیز،
جاش‌های خود فروخته، اقدام به
مین گذاری در جلو خانه یکی
از اهالی زحمتکش روستای
"هلا نیاسیان" می‌کنند، که
انفجار آن، منجر به قطع پای
صاحب خانه می‌شود.

همچنین هفته اول مهرماه،

☆ اخبار جنبش توده ای

هجوم می برند و ضمن اذیت و آزار اهالی این روستا ، اقدام به تیراندازی می کنند که بر اثر آن یک نفر از روستائیان زخمی زخمی می شود . مزدوران همچنین در تکمیل اعمال جنایتکارانه خود ، یک انبار آذوقه زمستانی را به آتش می کشند .

همچنین در تاریخ سیزدهم مهرماه ، جاش های خود فروخته ، روستای " سیلوی " را مورد حمله و حشانه خود قرار داده و به آزار و اذیت روستائیان می پردازند و نسبت به زنان و دیگر اهالی بی حرشی می کنند که با اعتراض خشمگینانه اهالی مواجهه می شوند .

مربوان

مزدوران سرکوبگر رژیم ، در جهت کنترل و هرچه محدودتر نمودن توده ها ، شهر مربوان را به شدت قهر کنترل و بازرسی قرار داده اند . به ویژه از طریق کنترل وسایل نقلیه در محل دروازه شهر ، و با تفتیش وسایل مسافری و حتی خود مسافران ، موجب اذیت و آزار مردم شده اند . چندی پیش یکی از رانندگان نسبت به این عمل مزدوران اعتراض می کند ، که دیگر رانندگان و مسافران به حمایت و پشتیبانی از فرد اعتراض کننده برمی خیزند .

مهاباد

در تاریخ ۲۶/۶/۶۴ طی یک عمل وحشیانه ، به روستای " صاحب " توسط سرکوبگران مستقر در " میره سی " به تیر و خیمه پشته می شود که در اثر آن ، ضمن آنکه آسیب فراوانی به ساکن مسکنی روستائیان وارد می شود ، بیش از ۸۰ تن از اهالی اهالی نیز تلف می گردد . مردم زخمی روستا در اعتراض به این حرکت ارتجاعی ، با مراجعه به گردان " میرسه " خواستار جبران خسارات وارده می شوند . مزدوران در نهایت بی حرشی در

جواب اهالی اعلام می دارند که خسارات را باید از " ضد انقلاب " بخواهید .

همچنین ، مزدوران رژیم در پی اهداف ارتجاعی خود ، و برای وادار کردن اهالی به ترک روستاها ، از مدتی پیش زخمی روستاهای منطقه " منگور " را تحت فشار قرار داده و با اعمال زهر و آزار ، و تهدید به تخریب و آتش زدن خانه ها ، مذبح ها ، کوشیده اند ، تا روستائیان را وادار به کوچ کنند . این مزدوران از جمله اهالی روستاهای " بیستگون " و " حسن چسپ " را تهدید نموده اند چنانچه روستای خود را تخلیه نکنند ، خانه های آنها را با یولدوز ویران کرده و با خاک یکسان خواهند کرد . اهالی زخمی و رنجور این روستاها در اعتراض به این سیاست های سرکوبگرانه و تهدید آمیز ، به شهر مهاباد می روند . اما مزدوران رژیم در شهر نیز نسبت به خواسته و اعتراض اهالی اعتنائی ، نمی کنند .

در همین رابطه ، چندی پیش نیز جاش های مزدور خود فروخته ، خانه یکی از اهالی زخمی روستای " چومان " را به آتش می کشند ، و این درحالیست که هلی کوپترهای نظامی رژیم ، برای ایجاد جو ترس و هراس بیشتر ، و برای وادار نمودن اهالی به تحکین برخواست های ارتجاعی خود ، بر فراز آسمان روستا به پرواز در آمده ، و ارتفاعات آنرا به راکت و مسلسل می بندند .

سردشت

مزدوران سرکوبگر به همراهی جاش های خائن و خود فروخته ، اهالی منطقه " بازار سردشت " را تحت فشار قرار داده و با توسل به زور و تهدید ، به اخذ از زخمی همان این منطقه پرداخته اند . در تاریخ ۲۶ و ۲۷ مهرماه ، روستاهای " زار و کله " و " گولکهره " مورد یورش این غارتگران واقع گشته و اهالی ستمدیده روستا ، مورد اخذ و تالانگری قرار می گیرند .

همچنین در تاریخ ۳/۷/۶۴ ، مزدوران مسلح رژیم ، روستاهای " پیوران " و " باوی " را مورد یورش قرار داده و به طرز

وحشیانه ای به ضرب و شتم زخمی روستائیان این روستاها می پردازند . این حرکت وحشیانه مزدوران ، که در انتقام و جبران خسارات و تلفات ناشی از حملات انقلابی پیشمرگان قهرمان خلق کرد صورت می گیرد ، منجر به زخمی شدن چند نفر از اهالی و دستگیر شدن تعداد دیگری از آنها می شود .

سرکوبگران مزدور ، که در انجام اعمال جنایتکارانه ، هیچگونه حد و مرزی برای خود قائل نبوده و نیستند ، در یکی دیگر از روستاهای شهر سردشت ، به جنایت دیگری دست زدند .

در تاریخ ۱۴/۷/۶۴ ، مزدوران مستقر در پایگاه روستای " وردی " به شکل جنین آمیزی به طرف دو زن اهل این روستا تیراندازی می کنند ، که بر اثر این عمل جنایتکارانه یک نفر از آن زخمی و دیگری به شهادت می رسد .

اشنویه

در تاریخ ۱۹/۶/۶۴ خائنین مزدور ، بمنظور آزار و اذیت مردم ، به روستای " تازه ندی " هجوم می برند و وحشیانه به جان اهالی این روستا افتاده و به ضرب و شتم آنان می پردازند . مزدوران همچنین به طرف چند نفر از اهالی ، که از سرکار برمی گشتند شلیک می کنند و در کمال بی حرشی یک نفر از آنان را به قتل می رسانند .

همچنین در تاریخ یازدهم مهرماه ، سرکوبگران به روستاهای " زندان " و " میرای " یورش می برند . اقدامات مزدوران در جهت آزار اهالی ، با اعتراض شدید و مقاومت کلیه روستائیان مواجه می شود .

ارومیه

در تاریخ دوم مهرماه ، عده ای از جاش های مزدور ، بمنظور کسین گذاری برای پیشمرگان مبارز خلق کرد ، به روستای " شیرگان " یورش برده و آنرا محاصره می کنند و سپس به خانه گردی می پردازند . مزدوران ، ضمن آزار اهالی و تفتیش خانه ها ، جوانی را که در یکی از این خانه ها پنهان شده بود دستگیر می کنند . این جوان که به خاطر

☆ اخبار جنبش توده‌ای

تن ندادن به سیاست‌های ضد-مردمی مزدوران، از روستای دیگری همراه با مادر خود به شیرکان آمده بود، توسط مزدوران جنایتکار در جلو چشم اهالی به شهادت می‌رسند. مادر این جوان با دیدن صحنه، خود را روی نرسزندش می‌اندازد، که جنایت پیشگان بسی شرم‌ناک و قاحت به طرف او نیبند و تیراندازی نموده و او را زخمی می‌کنند.

دیواندره

اخیراً روستاهای دیواندره نیز از سوی مزدوران سرکوبگر، به شکل وسیعی مورد هجوم واقع گشته و سرکوبگران غارتگر، با اعمال زور و تهدید، در ابعاد گسترده‌تری به اخاذی از اهالی این روستاها پرداخته‌اند.

در اواسط ماه گذشته، دوتن از مزدوران رژیم به روستاهایی "عزیزآباد" و "هوبه‌تو" می‌روند، و پس از آزار و اذیت اهالی، با زور و تهدید از مردم پول می‌گیرند. همین مزدوران از دو نفر روستایی اهل "قره‌گروس" نیز با توسل به زور اسلحه، پول گرفته‌اند.

همچنین این مزدوران به قصد اخاذی و دزدی به روستای "قلاکون" می‌روند، اهالی روستا به این مزدوران

مهل ندادند و پیش از آنکه دست به هرگونه حرکتی بزنند، آنان را دستگیر نموده و تحویل پایگاه روستا می‌دهند. مزدوران دستگیر شده، اعتراض می‌کنند که از جانب سپاه پاسداران دیواندره چنین مأموریتی داشته‌اند. در همین رابطه، سپاه پاسداران دیواندره، پس از اطلاع از دستگیری این افراد، به فرمانده پایگاه روستا دستور می‌دهد که افراد دستگیر شده را آزاد کنند.

در تاریخ ۶۴/۷/۲۴ نیز، عده‌ای از جاش‌های خودفروخته به روستای "دهره تفسی" می‌روند و با اعمال زور و تهدید از اهالی روستا مبالغه‌آمیز پول می‌گیرند.

همچنین اهالی روستای "میشاو" و "قره‌زنگی" نیز از جانب مزدوران غارتگر مورد اذیت و آزار واقع شده‌اند. سرکوبگران از اهالی زحمتکش این روستا نیز بزور پول گرفته‌اند.

همچنین تعدادی از جاش‌های مزدور، در جاده اصلی مقبر دیواندره، جلو مائل نقلیه را می‌گیرند و از صافترین اخاذی می‌کنند. مزدوران جنایتکار، چنانچه مائل نقلیه توقف نمی‌کردند، با تیراندازی آنها را وادار به توقف نموده و از آنان پول می‌گرفته‌اند. این راهزنی مزدوران در نزدیکی یکی از پایگاه‌های سرکوبگران بنام "مته" صورت می‌گیرد. سرکوبگران مستقر در این پایگاه که صدای تیراندازی را می‌شنیدند هیچ عذرالعطلی نشان ندادند و در واقع همدستی خود را با غارتگران راهزن بر ملا کردند.

بسردهشت

در تاریخ ۶۴/۷/۱۵ روستای "بهوران" از روستاهای سردهشت، توسط نیروهای عراقی و برای چندمین بار، توب و خمپاره باران شد که بر اثر آن، خسارات زیادی به اهالی این روستا وارد شد و یک زن روستایی جان خود را از دست داد.

پیرانشهر

جندی قبل روستای "بن‌دری" نیز توسط نیروهای عراقی به توب و خمپاره بسته شد که در اثر آن اهالی روستا

دو خبر از :

جنگ ارتجاعی ایران و عراق

جنگ ارتجاعی ایران و عراق، علی‌رغم بن‌بستی که دچار آنست، همچنان ادامه دارد، و هر روز قربانیان جدیدی را بکام خود می‌کشد، و فقر و فلاکت توده‌ها می‌افزاید. این جنگ ارتجاعی و نفرت‌انگیز، که از همان اوایل ابعاد دامنه‌نخریبی و نکبت‌بارش کردستان خونین را نیز دربرگرفت، هم‌اکنون نیز در ادامه جنون‌آمیز بازهم برای خلق کرد کشتار و ویرانی بی‌پای می‌آورد.

اواسط ماه گذشته نیز دوتن از جاش‌های مزدور، به خانه یکی از زحمتکشان روستایی "هوبه‌تو" رفته و بعد از آزار و اذیت ساکنین خانه، با زور و تهدید جلفی پول اخاذی می‌کنند. اهالی روستا که از این مسئله اطلاع می‌یابند، در صدد دستگیری جاش‌ها برمی‌آیند. اما دو جاش مزدور موفق به فرار می‌شوند. روز بعد اهالی روستا که راهزنان خائن را شناخته‌اند، با تجمع در جلو مقر سپاه، خواستار دستگیری آن‌ها می‌شوند. آنان حتی اسامی این مزدوران را به فرمانده سپاه گوشزد می‌کنند. اما فرمانده سپاه، ضمن تهدید اهالی، به گفتن اینکه "این کارها در اسلام حرام است" اکتفا می‌کند.

اواسط ماه گذشته، سرکوبگران مستقر در پایگاه "زربنه" در محور جاده مقبر - دیواندره، با همکاری شورای اسلامی روستای "زکبه‌وه" که در نزدیکی پایگاه مذکور قرار دارد، فرد جوانی را دستگیر نموده و سپس به سختی و به طرز وحشیانه‌ای او را شکنجه و آزار می‌دهند. تلاش اهالی متعرض روستا برای نجات فرد دستگیر شده به جایی نمی‌رسد و نامبرده در اثر شکنجه‌های جیره‌خواران رژیم بعد از سه روز جان خود را از دست می‌دهد.

همچنین در تاریخ دوم شهریور ماه، مزدوران رژیم به خانه یکی از اهالی زحمتکش روستای "شیخه‌یره" تاراج می‌اندازند. صاحب‌خانه در اعتراض به این عمل جنایتکارانه به مقام سپاه مراجعه می‌کند. اما سرکوبگران در پاسخ او می‌گویند "هرگاه او را گرفتید می‌توانید شکایت کنید".

ضحمل خسارات فراوانی شدند.

همچنین روزهای نوزدهم و بیستم مهرماه، برای چندمین بار، شهر پیرانشهر، توسط نیروهای عراقی، توب و خمپاره باران شد، که بر اثر آن چندین خانه بکلی ویران شد و به اساکسن مسکونی نیز آسیب فراوانی رسید و خسارات مالی سنگینی به اهالی این شهر وارد آمد. و همچنین ۳۴ نفر از اهالی شهر قربانی این حرکت ارتجاعی و نیز سیاست‌های جنگ طلبانه رژیم جمهوری اسلامی شده و جان خود را از دست دادند.

راه کارگر...

از صفحه ۲۲

نایل آید. اما نه تکرار اتهامات و نه تحریف واقعیات و نه هیچکدام از آرزوهای بر باد رفته راه کارگر و تخیلات ذهن وارفته او در زمینه انتساب وارفتگی تشکیلاتی به طرف مقابل، و نه صفحه سیاه کردنهای پر طول و تفصیل پرنسب شکناخته او، هیچکدام کمک چندانی به موضوع راه کارگر نکرده است. بالاخره او مجبور شده است باز هم به تکرار آنچه که ما بعنوان خط و منحنی دنیاله روانه او در جنبش انقلابی خلق کرد تاکید کرده بودیم، بپردازد و ضمن دفاع شتابزده از این مواضع، به افشای هر چه بیشتر آنها دست یازد.

در این دفاعیات شتابزده، راه کارگر، با پافشاری هرچه عریاتر بر مواضع اکنومیمیستی اش بر صحت نقد ما از مواضع راه کارگر صحه گذاشته است. او ضمن بیس و تابه های معمول خود، دیدگاههایش را در زمینه درک از ماهیله ملی و اساساً مبارزه طبقاتی و ایجاد تقدم و تاخر مکانیکی در آن به نمایش گذاشته است.

راه کارگر علیرغم اینکه طرح می کند: هرچه طبقه کارگر بر روی سیاستهای خود پافشاری نموده و آن را به پیش برد، جنبش انقلابی کردستان رادیکالتر خواهد شد.

(ریگای گریکار، ۲۴ ص ۱۲)
اما باز هم در دفاعیات خود روئین می سازد که در واقع هیچ درکی از سیاست مستقل پرولتاریا در انقلاب ندارد و در نتیجه نمی تواند هیچ تأثیر مشخصی نیز به پرولتاریا ارائه دهد. راه کارگر درک نمی کند که صرفاً با نوشتن "هرچه طبقه کارگر بر روی سیاستهای خود پافشاری نموده و آن را پیش برد..." استقلال سیاستهای پرولتاری می شخص نمی شود، سیاستهای پرولتاری تنها با "تعمین دقیق

ملی مستقل مشخص می گردد، و این چیزی است که راه کارگر ارائه نمی دهد.

راه کارگر باز هم با ارائه تحلیلی نهی از ضمن طبقاتی، و با گفتن اینکه "پایندی به واقعیات این مبارزه و درک غلبه مسئله ملی بر جنگ طبقاتی و تبعیت از الزامات چنین امری نه تنها از نقطه نظر منافع طبقه کارگر نسبت به مسئله ملی برخوردار نمی کند بلکه از هرگونه سیاست مستقل پرولتاری دست می شوی و باز هم تکرار می کند: در چنین شرایطی معیار سنجش ما در پیشرفت وجهه طبقاتی باید تقدم وجهه ملی باشد." (ریگای گریکار، ۲۴ ص ۱۲)

و در ادامه همدا با ناسیونالیست های بورژوا فریاد می زنند: ما می گوئیم نباید جنبه ملی را مصنوعاً به جنبه طبقاتی غلبه داد، (آنها تحت الشعاع جنبه طبقاتی قرار داد).

(ریگای گریکار، ۲۴ ص ۱۳)

آری راه کارگر با درک "غلبه" مسئله ملی بر جنگ طبقاتی، فریاد می زند نباید جنبه ملی را تحت الشعاع جنبه طبقاتی قرار داد، او هراسان از تشدید تضادهای طبقاتی و در ترس از دست دادن منافع آنی خود نه تنها از سیاست مستقل پرولتاریا که همانا تبعیت مسئله ملی از منافع مبارزه طبقاتی است عدول می کند بلکه به آشکارترین شکلی به ناسیونالیسم بورژوازی می گزیند. برخلاف تصور راه کارگر پرولتاریا در رابطه با مسئله ملی، "تأمین تکامل طبقه خود" و تحکیم طبقه خویش برضد بورژوازی و تربیت توده ها با روح دمکراسی پیگیر و سوسیالیسم مهم ارزیابی می کند. اما این بورژوازی است که در برابر این تکامل تولید اشکال می نماید و می گویند وظایف آن را تحت الشعاع وظایف ملت خود قرار دهد. لکن در ملاحظاتی انتقادی درباره مسئله ملی با دفاع از پیشبرد سیاست مستقل پرولتاری می نویسد:

"ناسیونالیستهای بورژوا می گویند که امر ملی در درجه اول و امر پرولتاریا در درجه

دوم قرار می گیرد و یورکویچ ها و توتسلف ها و دیگر مارکسیست بعد از اینها نیز آن را تکرار می کنند. ما می گوئیم امر پرولتاریا باید مقدم باشد، چرا که نه تنها منافع مداوم و پایه ای کارگر و بشریت، بلکه منافع دمکراسی را نیز حمایت می کند و بدون دمکراسی نه یک اوکراین خود مختار قابل تصور است و نه یک اوکراین مستقل

(ص ۲۴)

اما راه کارگر قسم خود هست که با ارجح دانستن جنبه ملی مبارزه بر جنبه طبقاتی آن، "منافع مداوم و پایه ای" طبقه کارگر را قربانی منافع آنی راه کارگر گرداند. منافع آنی ای که در تبعیت از ناسیونالیسم بورژوازی در کردستان بر آورده می شود. البته راه کارگر به همین هم بسنده نمی کند او می خواهد در زمینه تئوریک نیز این تبعیت را بعنوان وظیفه طبقه کارگر نسبت به جنبش انقلابی کردستان جا بزند. راه کارگر با تاکید مکرر بر اینکه "طبقه کارگر نباید مصنوعاً به غلبه دادن وجهه طبقاتی بپردازد و باید از آنچه در واقعیت وعمل مقدم است شروع کند" (تاکید

از ما) کنه تفکرات اکنومیمیستی خود را عیان می سازد. در واقع بدینوسیله راه کارگر وظایف پیشروان جنبش طبقه کارگر را سطح پسروان و دنیاله روان جنبش خود بخودی تنزل می دهد. رهبری مبارزه طبقاتی پرولتاریا و تشکیل کربن این مبارزه را تا سطح "از آنچه در واقعیت وعمل مقدم است" پایین آورده و دیدگاه اکنومیمیستی خود را در زمینه برخورد به مسائل سیاسی اجتماعی جامعه بعینه به نمایش می گذارد. اکنومیمیستهای راه کارگر برآنند که از آنجا که مسئله ملی عمده است بیس وظیفه پیشرو نیز باید شناخت این امر و تمرکز فعالیت خود بر روی آن و تبعیت از الزامات چنین امری باشد. این مدعیان دروغین جنبش پرولتاری در واقع همانند سلاطین خود آن مبارزه ای را سودمند قلمداد می کنند که ممکن است و مبارزه ای هم که ممکن است در لحظه کنونی

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر

راه کارگر...

جریان دارد. پس طبقه کارگر نباید مسئله ملی در گروستان را تحت الشعاع مبارزه طبقاتی قرار دهد و بدون آنکه با چشم اندازی روشن و با نقشه و اهداف مشخص طبقاتی از جنبه های صرفی جنبش ملی پر گروستان پشتیبانی کند، منافع اساسی پرولتری خود را فدای وضعیت موجود در گروستان نماید. البته "تئوری مراحلی" راه کارگر به همین جا ختم نشده و دیدگاههای رفرمیستی آن در ادامه بحث و در جملات نویین به عریان ترین شکلی نمایان می شود.

... تاکید کمونیستها بر وجه طبقاتی بدین معناست که مسئله دموکراسی (در برابر ایران) و مسئله ملی (در گروستان) گانال پیشبرد مبارزه طبقاتی است. گرچه وجه طبقاتی مبارزه از طریق تمرکز بر روی این وجوه است که شروع به باز شدن می نماید و از این رو باید از این مسائل (دموکراسی در ایران و مسئله ملی در گروستان) آغاز کرد.

(همانجا ص ۱۸)
آری راه کارگر که جز دنباله روی از جنبش خود بخوبی، سرفروشی آوردن در برابر آن، تعیین روش خود از واقعهای تا واقعیه دیگر و نزول نقش پیشرو تا سطح عقب مانده ترین توده ها رسالتی برای خود قائل نیست، این بار با تمرکز شدن بر روی "دموکراسی در ایران و مسئله ملی در گروستان" سیاستهای خود را با سیاستهای بورژوازی انطباق کامل می دهد.

تمام دیوار چین کشیدن های راه کارگر بین وضعیت موجود و هدف نهایی برای فرموله کردن این تسز عقب مانده و اکونومیستی بود: "در این وضعیت این مبارزه و این وظیفه، در آن وضعیت آن مبارزه و آن وظیفه" تا بدانجا که امروزه "دموکراسی در ایران و مسئله ملی در گروستان" را سر-لیحه یا تفرم سیاستهای رفرمیستی خود قرار می دهد.

در واقع مارتیف های راه کارگری معتقدند که مسئله دموکراسی در ایران و مسئله ملی در گروستان گانال پیشبرد مبارزه طبقاتی است. ایمن

اکونومیست ها قبحه را اینطور تصور می نمایند که کمونیست ها نخست باید روی مسئله دموکراسی در ایران و مسئله ملی در گروستان تمرکز شده و آگاهی طبقاتی و سیاسی کارگران را از درون همین مبارزه (دموکراسی و ملی) و بر سر منهای این مبارزه و با آنکه به این مبارزه توسعه دهند و نخست بر محور (مسئله دموکراسی و ملی) برای خود (بخوان برای سیاست رفرمیستی خود) تجمع قوا نمایند و بعد از قرار معلوم از مرحله پرورش روح فعالیت به شیوه رفرمیستی به فعالیت بشیوه سوسیال دموکراتیک بپردازند!

البته در برابر دفاعیه راه کارگر تئوری مارکسیستی مبارزه طبقاتی کلا به فراخشی سپرده شده است. تحلیل راه کارگر از ماهیت نیروهای سیاسی نیز یک گام هم از همان سیان مورد نظر راه کارگر فراتر نرفته است و از اساس فاه پرنسپ است. راه کارگر در تحلیل از ماهیت نیروهای سیاسی می نویسد:

"گرچه (این "گرچه" را خواننده خوب بخاطر بسپارد) در تحلیل نهایی ماهیت طبقاتی نیروها تعیین کننده سیاستشان می باشد اما (این از آن اماهاست، تعجب نکنید) آن گرچه این اما را هم باید پشت سر داشته باشد (در مقطع همین سطح گیری های ایمن نیروها با آن ماهیت طابق - النعل بنعل ما یکی نبوده و یکی دیگر از عناصری که در بررسی سیاست نیروها در مقطعی باید مورد توجه قرار گیرد، منافع آنها در این مقطع است (ریگای کریکار ۲۵ ص ۱۵)

راه کارگر، علیرغم انعسان اپورتونیستی به ماهیت طبقاتی نیروها در تعیین سیاست هایشان با آوردن شرط "گرچه" راه را برای معلق کردن این اصل و یاد رهوا نمودن آن، و درست به دنبال "امای" شجرینی معروف خود، باز می گذارد تا ثابت کند ماهیت طبقاتی، چندان هم در "مقطع معین" تعیین کننده سیاست های نیروها نیستند.

عیان تر از این نمی توان به لیبرالیم گروید! راه کارگر این بار برای آن که دیدگاه اکونومیستی خود را به همه عرصه های سیاسی و اجتماعی بسط دهد، چنین همداد می کند که گویا از ایمن

واقعیه تا واقعیه دیگر و از این مقطع تا مقطعی دیگر، در برابر نیروهای سیاسی و تشخیصی سیاست های آنها می توان تغییر موضع داد و ریشه های گرایشات مختلف را در و رای منافع طبقات جستجو کرد. راه کارگر درک نمی کند اگر نشان ندهد که منافع چه طبقاتی و چه منافع خاصی در تعیین ماهیت احزاب مختلف و سیاست هایشان در حال حاضر نقش غالب دارند، در واقع تشری مبارزه طبقاتی را رد کرده است. یک مارکسیست در هر شرایطی باید روشن سازد که حرفها و برنامه های یک نیروی سیاسی سرانجام در خدمت منافع مادی کدام طبقه قرار می گیرد.

اما درک این مسائل توسط راه کارگر که با مارکسیسم بیگانه می باشد مشکل است مبضر آنکه منافع راه کارگر ایجاب نمی کند که تحلیل روشنی از ماهیت نیروها ارائه دهد، چرا که در آن صورت مجبور می شود روشن سازد که سرانجام نه تنها این یا آن نیرو بلکه قبل از همه خود راه کارگر منافع چه طبقه یا قشری را نمایندگی می کند و سیاستهای آن در خدمت منافع کدام طبقه یا قشری قرار می گیرد.



روزنامه اطلاعات
شماره ۳۴
تیرماه ۱۳۳۴
ارزیابی از وضعیت کنونی (بحران انقلابی)

بازدید از مبارزات مسلحانه و جنگ و انقلاب

زنده باد استقلال طبقاتی کارگران

دکتر اسد زواری و دکتر آسلی

رای برتری مایحی دموکراتیک، جنگ اجتماعی، جنگ داخلی، مبارزات مسلحانه



اطلاعیه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

خطاب به کارگران

درباره شوراهای اسلامی کار رژیم جمهوری اسلامی

کارگران مبارز ایران :

رژیم جمهوری اسلامی بدنبال بورژوازی حاکم علیه تشکلهای واقعی کارگری و محروم ساختن شما کارگران از سازمانها، منفی و مستقل خود، هجوم و حشانه دشمنی را علیه شما آغاز کرده است.

رژیم جمهوری اسلامی با لگدکوب کردن همگی دستاوردهای انقلابی شما و به منظور تشدید هرچه بیشتر استثمار و به شکست کشیدن مبارزات طولانی کارگران ایران، تلاش دارد فوق ارتجاعی ترین و فاشیستی ترین سیاستهای ضد کارگری را در کارخانه ها بکارگیرد. رژیم جمهوری اسلامی در هر اساز از اوج کبشوری مبارزات نهرمانانه شما کارگران، قصد دارد با برپائی و تشکیل شوراهای اسلامی کارخانه، به سرکوب ددمنشانه خود شکل سازمان یافته تری بدهد ! رژیم جمهوری اسلامی شنبه نهم شهریورماه از زمان وزیرکار مرتجع خود اعلام کرد شوراهای اسلامی کار بر طبق مصوبات مجلس شورای اسلامی، به زودی در کلیه واحدهای تولیدی کشور تشکیل خواهند شد.

شوراهای اسلامی کار که قانون آن در زمستان گذشته توسط شورای نگهبان نظم ارتجاعی حاکم به تصویب رسیده و برای اجرا بدولت واگذار شده است بکارگران ارتجاعی دولتی، چشم و گوش سرمایه داران و در حقیقت یکی از ارگانهائی اصلی سرکوب رژیم جمهوری اسلامی در کارخانه ها است ! شوراهای اسلامی کار، همانطور که وزیر کار رژیم اعتراف دارد، در درجه اول وسیله ای است برای جلوگیری از اعتراضات شما کارگران، سرکشی و مبارزات اجتماعی و ابزار باز دارنده حرکت انقلابی در کارخانه های ایران.

وظایف این شوراهای کار و وزیرکار ارتجاع در سخنرانی اخیر خود چنین تشریح می کند :

شوراهای اسلامی کار در همانگی با مدیریت قادر خواهند بود تولیدات را بالا ببرند. شوراهای اسلامی کار از اخلاص و فایده ای که ممکن است در واحدهای مختلف تولیدی بروز کند، جلوگیری می نمایند. شوراهای اسلامی کار موجب تقویت مدیریت در واحدهای تولیدی خواهند شد.

کارگران مبارز ایران !

همانگونه که خود سران مرتجع جمهوری اسلامی علنا و آشکارا اذعان دارند، شوراهای اسلامی کار ابزار سرکوب و عامل ستمگری و استثمار هرچه بیشتر سرمایه داران در کارخانه ها هستند. علیه این ارگانه ها بیایید و ننگارید چنین ارگانه هایی در کارخانه هایی که شما در آن کار میکنید یا بگیریید ! برخیزید و همانگونه که طی نزدیک به هفت سال حکومت ننگین رژیم جمهوری اسلامی مانع از تشکیل این ارگانه ها شده اید، اکنون نیز با مبارزات بسی - امان خود آخرین شر ترک رژیم را با شکست قطعی روبرو سازید ! شما غا من بیروزی شما تشکل و حرکت متحد شماست. بیایید و با یک حرکت متحد و هماهنگ علیه هرگونه اقدام رژیم برای برپائی و تشکیل این ارگانه های ضد کارگری دست به مبارزه بزنید.

رژیم جمهوری اسلامی که طی همین هفت سال بیشترین فشار و استثمار را بر شما روا داشته است، با غارت و چپاول بی حد و حصر، بر پایه جنگ ارتجاعی کسبی و تشدید استثمار کارگران جز فقر و گرسنگی بیشتر چیزی به ارمان نیاورده است. رژیم علیرغم اعمال فقر وسیع روزی، علیرغم تشدید هرچه بیشتر استثمار سیاستهای ترور و خفان پلیسی و بیشترین فشار سرکوب را برای ممانعت از اعتراضات شما اعمال داشته است. تشکیل شوراهای اسلامی کار و بدنبال آن اجرای قانون کار فوق ارتجاعی جدید، سازمان یافته ترین شیوه سرکوب و حشانه ترین بورژوازی جمهوری اسلامی علیه شما و مبارزات شماست ! بیایید و این اقدام ضد کارگری را با شکست کامل مواجه کنید !

کارگران مبارز ایران !

فراموش نکنید که سرمایه داران، عوامل مزدور و دست نشاندهان هزار تنگ خود را به هر لباس و مسلکی بی آزارند، فراموش نکنید که حزب توده و اکثریت علیرغم ظاهر مخالفت جویی علیه حکومت، همانطور که تاکنون نشان داده اند، هم اکنون نیز جز خدمت به سرمایه داران و جز به انحراف کشیدن مبارزات شما، هیچ رسالت دیگری برای خود قائل نیستند. توده ایها و اکثریتها امروز هم که حتی خود سران جمهوری اسلامی در عریان ترین شکل، به بخش مد کارگری شوراهای اسلامی کار اعتراف میکنند، برای آنکه شما را بفریبند، شوراهای اسلامی کار را با یک دست پس میزنند و با دست دیگر بیش میکنند ! توده ایها و اکثریتها امروز که همه کارگران ما بهت ارتجاعی انجمن ها و شوراهای اسلامی کارخانه را بخوشی شناخته اند، با قانون شوراهای اسلامی کار در ظاهر مخالفت میورزند، اما در باطن خود آن را تأیید میکنند. آنها میگویند : چه با ما مبارزات جاری کارگران حتی موجب انحلال انجمن ها و شوراهای اسلامی کارخانه شود، اما وظیفه کارگران تحریم و انحلال این شوراهای نیست.

رفقای کارگر !

فراموش نکنید که مبارزه با سرمایه داران و حاکمیت نظام بوسیده سرمایه داری، جز از طریق افشا و طرد پیمانان ایورو توبسم و سازتکاری به جبروری نخواهد رسد. بیایید برپائی کمیته های کارخانه، ستاب سنگ بنای شوراهای واقعی خود، و با تحریم و جلوگیری از تشکیل شوراهای اسلامی کار، شما رژیم جمهوری اسلامی را به عقب نشینی وادار کنید، بلکه پاوه نویان و ایورو توبستهای سازشکار را نیز از صفوف خود دور و منزوی کنید.

بیروز باد مبارزه متحد و یکپارچه کارگران
زندنده سید سید

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
بازدم شهریورماه ۱۳۴۴

۴۰ ساعت کار، دو روز تعطیل در هفته حق مسلم کارگران است

یاد فدائی کبیر رفیق اسکندر

از صفحه ۲۲

خستگی ناپذیرشان در صفوف
فشرده سازمان نخواهد بود.
آری! رفیق اسکندر عضو
کادر مرکزی ویکی از فرماندهان
محبوب و بی نظیر بخش نظامی
تشکیلات، در ۱۳ مهر ماه سال ۶۰،
به همراه دو همسرز خود، رفقا
صعود بسری و حمید صفری،
چنین یک مأموریت در شهرهای
شالی ایران طی یک نبرد
جسامه آفرین و غرور انگیز تا
آخرین گلوله با مزدوران سرمایه
جنگیدند و سرانجام شجاعانه
جان باختند.

رفیق اسکندر با خصوصیات
برجسته پروتزی، استعدادهای
سرمایه و قابلیت های رزمی بی نظیر
تجسم راستین ارزشهای شورانگیز
سازمان بود. او مبارزه اش را با
عمل انقلابی آغاز کرده و در
کوران سخت مبارزه آیدیده و
صیقل خورده بود. جوهر بار و
وجود اسکندر و پرورش انقلابی آن
او را در تمامی دوران زندگی
سازمانی اش بعنوان یک کادر
برجسته سازمان، از ورزیدگی
خاصی برخوردار ساخته بود.
رفیق اسکندر در هر شرایطی،
چه در دوران دیکتاتوری و رکود
جنبش و چه در دوران رونق
جنبش انقلابی، با درایتی شگرف
و نبوغ سازمانگری خود به کار
تشکیلات سازمان را بهر روش
می کشید. و از همین رو بود که
بعد از سالها نبرد بی امان
هنگامی که اسکندر شهید شد،
وجود یک کادر محبوب نظیر او
برای سازمان ما از الزامات
عینی حرکت به شمار می رفت و
جبران فقدان آن چه بسا بسیار
مشکل!

اسکندر در آغاز جوانی با
نخستین شگفته های بیداری
آگاهی طبقاتی پای در میدان مبارزه
گذارد و در بدویش نقش اعظمی
لرستانی برای رهائی کارگران و
زحمتکشان از ستم و استثمار
سرمایه داری سلاح بر دوش گرفت.
پس از پیوستن به سازمان با

قابلیت های بی نظیر خود توانست
در جایگاه ارزنده ای قرار بگیرد.

تفکر و با و خلاق، وفاداری
عمیق به آرمان پروتساریا، یافتن
ابزارهای مناسب برای حرکت و
عشق به سازمان داشتن اراده
و عزم جزم و سرانجام درهم آمیختن
آگاهی طبقاتی با شور و عصبانیت
رفیق اسکندر بی سرنوشتی
ویژگیها بود که شخصیت کمونیستی
رفیق اسکندر را نمایان
می ساخت و او را در شمار
زنده ترین عناصر سازمان و
پیشروان نبرد طبقاتی
درونی جامعه قرار می داد. به
واقع اسکندر محصول عینی
شرایط سازمانی و پرورش یافتگی
عناصر پیشتاز انقلاب در بطن
تحولات درونی مبارزه طبقاتی بود.

همرزی با رهبر کبیر سازمان
رفیق حمید اشرف نقش بسزایی
در ارتقاء توانائی های رفیق
اسکندر داشت. اسکندر با کسب
خصوصیات رهبر کبیران، دارای
شخصیتی نمونه، متفقد و با
اتوریت بود. رفیق مظهر
صد اقت، صمیمیت، شجاعت فروتنی
انقلابی، بی باکی، هوشیاری و
خونسردی یک کمونیست بود.

استواری و ثبات قدم رفیق
اسکندر در مواجهه با معضلات
تشکیلات بعنوان یک خصوصیات
بارز و یک الگوی دوخشان او را از
سرمختی زایدالوصفی برخوردار
نموده بود. تلاش پرشور، مداوم
و بی وقفه رفیق برای پرورش و
ارتقاء رفقای تحت مسئولیتش
بیانگر احساس مسئولیت شدیدی
رفیق در قبال جنبش و سازمان
بود. رفیق با قابلیت های رزمی
بی نظیر خود همواره نقش مهم
و مسئولیتی سنگین را در سازمان
بمعهده داشت. طی ده سال نبرد
خونین و آتشین با شرکت در
دهها عملیات نظامی و فرماندهی
موفقیت آمیز آنها به کادری
برجسته در سازمان تبدیل شد.
حمله مسلحانه به قرارگاه شماره
۲ پلیس تهران پیش از قیام، حمله
به کلاتری تبریز، آندام
پاسگاه لاهیجان حمله مسلحانه
به پاسگاه رودسر به حمایت از
دوستان منطقه، اعدام انقلابی
سرهنگ مزدور زمانی پور در
مشهد از جمله عملیاتی است که
رفیق طی حکومت ننگین پهلوی

فرماندهی آنها را بمعهده داشت.
پس از قیام نیز در حلقه به
سازمان نظامی دشمن در
دارسوسن شرکت فعال و مستوری
داشت.

پس از انشعاب رفرمیستهای
اکثریتی بعنوان مسئول نظامی
تشکیلات در کردستان پیش از
شش ماه دوشادوش خلق کرد
علیه رژیم جنایتکار جمهوری
اسلامی جنگید. رفیق اسکندر
با سازماندهی تشکیلات نظامی
منطقه، با شرکت در عملیات مختلف
بر علیه مزدوران رژیم و با
سازماندهی جوله های سیاسی -
نظامی نقش بسزایی در زدودن
نقش مخرب اکثریتی های خائن
از ذهن زحمتکشان کرد، ایفا کرد.
سرانجام در آخرین مأموریت سازمانی
خود طی یک درگیری نابرابر با
مزدوران رژیم جمهوری اسلامی،
در راه تحقق اهداف پروتساریا
جان باخت.

در چهارمین سالگشت
شهادت دروغ انگیز رفیق اسکندر
بار دیگر بر آرمانهای والای رفیق
پای فشرده و خصوصیات کمونیستی
بارز او را الهام بخش مبارزات خود
در تداوم راه رهائی کارگران و
زحمتکشان که همانا راه سرخ
فدائی است بازیم.



جاودان باد خاطره همه شهادت ای بخون خفته خلق

گرامی باد خاطره فدائی شهید رفیق
محمد کسنزانی
(حمله کس)

از صفحه ۲۲

تحت فرماندهی او از جاده بانه - سقز می گذشتند، به کمین سرکبزرگان مزدور رژیم افتاده و رفیق محمد کسنزانی (حمله کس) طی یک درگیری نابرابر، جان خویش را فدای آرمان صرخ کارگران نمود.

اگرچه حمله کس از میان ما رفت و جای خالی او محسوس بوده و هست، اما تداعی خاطره های حماسی او با تمامی رزمندگی و استواریش، همراه با فداکاری و صداقت انقلابیش، در صفوف همسران او زنده و پابرجا خواهد ماند.

یادش گرامی
و راهش پر رهرو باد!



گرامی باد خاطره فدائی شهید رفیق

مصطفی رسولی



توده ها و یا مسائل و مشکلات پیشبرد امور مبارزاتی، برای همیشه و بعنوان سرمضی در یاد رفقای او خواهد ماند.

رفیق مصطفی، مدافع خستگی ناپذیر و پیگیر آرمان طبقه کارگر، در تاریخ نهم مهرماه ۱۳۴۲ طی یک درگیری نابرابر و در محور جاده سقز - بانه قلب سرخس، آماج گلوله های مزدوران قرار گرفت و از طیش باز ایستاد.

یادش گرامی باد!

شهید مصطفی رسولی، یکی از ارزنده ترین رفقای ما و جنبش انقلابی خلق کرد بود. او علاوه بر جسارت و بی باکی و قابلیت های نظامی، از خصوصیات ارزشمند یک کادر توده ای برخوردار بود. عشق و علاقه او به توده ها، و تاثیرات برخورد های صمیمی و آگاهانه او بر آنان، که از ایمان راسخ او به قدرت لایزال توده ها سرچشمه می گرفت، موجب آن بود که در میان توده ها از محبوبیت ویژه ای برخوردار شود. این خصوصیت برجسته شهید مصطفی، که با ایمان کمونیستی و انضباط تشکیلاتی او درهم می آمیخت، او را به رفیق کاربدان و قابل اتکاء بدل می ساخت.

رفیق مصطفی هر چند که در سازمان ما عمری کوتاه داشت، اما خاطرات فراوانی نشاندنی او در تمامی زمینه ها، اعم از برخورد به

غنائیم بدست آمده

۱۷۴	جنگ افزار انفرادی
۳۳۲	انواع نارنجک
۷	بی سی
۴۲۹۶۰	انواع فشنگ
۷۴۴	خشاب
۲۵	جنگ افزار سنگین و نیمه سنگین
۷۴	گلوله اسلحه سنگین و نیمه سنگین
۱۹	بیمه شدن فریب خوردگان

تلفات دشمن

۶۰۸	کشته و زخمی
۹۳	اسرای دشمن
۵۶	خودرو ضهدم یا محاصره شده
۱	سلاحهای ضهدم شده
۳۳	مهمات ضهدم شده

جدول یک ماهه
عملیات پیشمرگان
خلق کورد



۲۷ شهریور تا ۲۷ مهر

عملیات پیشمرگه

۲۳	کمین و کنترل جاده
۱۵	مین گذاری
۳۵	مقابله در برابر یورش رژیم
۱۰	حمله به مراکز رژیم در شهرها
۳	خلع سلاح پایگاه
۸	مصادره و انهدام تاسیسات
۳۵	حمله به پایگاهها
۱۲۹	جمع

۳۲	شهدای پیشمرگه
۴۶	شهدای اهالی بی دفاع

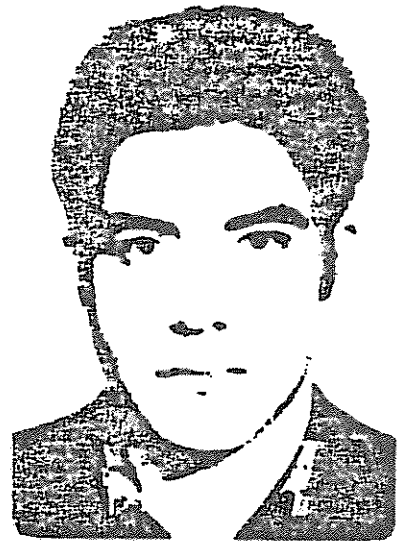
آمار این جدول عمدتاً از اخبار رادیوهای حزب دمکرات و کومه له برگرفته شده است.

سهرکه و نوبی پروتته و هی شورشگیرانه ی گه لی کورد

یاد فدائی کبیر

رفیق اسکندر (سیامک اسدیان)

گرامی باد!



چهار سال از شهادت فدائی خلق، رفیق کبیر سیامک اسدیان (اسکندر)، فرزند بخون تپیده کارگران و زحمتکشان می گذرد. مهر ماه سال یک هزار و سیصد و شصت، هنگامیکه خبر نبرد حماسی رفقای فدائی اسکندر و همزمانش تندر اساء در اینسو و آنسو پیچیده هیچکس نمی توانست باور کند اسکندر به شهادت رسیده است! خبر سنگین بود. همه کسانی که او را می شناختند و با او در یک سنگر مبارزه کرده بودند هرگز نمی توانستند گمان برند که دیگر رفیق ارزنده و فداکار و در صفحه ۲۰

پرخشی ملاحظیات

راه کارگر:

باز هم اکنون میسوم، باز هم ایورتونیسم!

این روزها دیگر راه کارگر با هر گامی که برمی دارد و بیرون هر گامی که در دفاع از مواضع اکونومیستی خود بیان می کند هر چند بیشتر به شیوه های مذموم ایورتونیستی پناه می برد، بیشتر به ورطه بی پرستی در غلطیده چهره اسلاف خود را تمام عیار به نمایش می گذارد. تازه ترین ارضان این جریان در کردستان دفاعیاتی است که طی دو شماره ۲۴ و ۲۵ ریگای کریکار بیرامون ملی و مائل بموم جنبش انقلابی خلق کرد به چاپ رسیده است.

در این نوشته ها راه کارگر میراث های شوم اسلاف رفرمیت خود همچون حزب توده و امثالهم را یکبار دیگر زنده کرده، هرترفند بورژوازی ممکن را بکار گرفته است تا از اصل موضوع طفره رود. راه کارگر کهنه است تا با تخطئه طرف مقابل از طریق تحریف حقایق حتی با استفاده از روشهای غیر سیاسی خاص را مکار به تبرئه دنباله روی خود از حوادث در صفحه ۱۷

... اخباری از جنبش توده ای

صفحه ۱۲

رادیو

صدای فدائی

برای کتب و مجله های ۶۵ و ۶۶ متر

ساعات ۸،۵ بعد از ظهر

۱۲،۵ روز بعد

خلق کرد پیروز است

جدول یک ماهه
علیات پیشمرگان
خلق کرد

از ۲۷ شهریور تا ۲۷ مهر

صفحه ۲۱

گرامی باد خاطره فدائی شهید رفیق

محمد کسنزانی (حمله کس)

بی نظیری که داشت، نامش، بعنوان یکی از فرماندهان برجسته و جسور در میان همزمانی و در تاریخ مبارزات خونین سازمان در کردستان به ثبت رسید.

دو سال پیش و در شامگاه پانزدهم مهرماه ۶۲، هنگامی که یک دسته از پیشمرگان فدائی در صفحه ۲۱

قهرمان خلق کرد بود. او در پروسه فعالیت مجدانه و انقلابی خود، در کشته دهقانی سازمان، خاطره هایی قراموش - ناشدنی از تلاش شبانه روزی و بی وقفه خود بر جای گذاشت. همه که در مقابل یورش های نظامی رژیم حماسه ها آفرید و بجای شجاعت و فداکاری

رفیق محمد کسنزانی، یکی از برجسته ترین فرماندهان نظامی سازمان، فرزند دلیر خلق کرد و پیشمرگی قهرمان و آگاه بود و زندگی اش سرشار از عشق به توده ها و کین و نفرت نسبت به دشمنان خلق بود. شهید حمله کس رفیق شجاع و فداکار و چهره انسانی زحمتکشان و پیشمرگان

